

بازدید شد
۱۳۸۲

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: مخارج الضیف	موضوع: تاریخ
مؤلف: ملا محمد باقر مجلسی	شماره ثبت کتاب: ۸۰۹۲
تاریخ ثبت: ۵۸۰۱	شماره قفسه: ۹۱۲۸۲

۴۰۰۹
کتابخانه مجلس شورای ملی

نسخه - فهرست شده
۵۹۰۰

بازرسی شد
۳۲ - ۳۳

بازرسی شد
۳۸ - ۳۹

۵۹۰۰





کتابخانه مجلس شورای ملی
تهرانی
خاتم المجتهدین

نسخه مفتاح الغیب از تصانیف
خاتم المجتهدین مولانا محمد باقر

در باب انواع استخارات که از دیر
زده امام صلوات الله وسلامه
علیه نقل شده و بسیار محکم است
و هر وقت که خواسته باشند که
استخاره نمایند کتاب را با احتیاط
نموده استخاره نمایند و السلام
علی من اتبع الهدی

ممد علی محمدی
کتابخانه مجلس شورای ملی
تهرانی
۱۳۳۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَغْلِبُ عِبَادَهُ سِوَاهُ وَمِنْ
 اسْتِخَارَةِ هَذِهِ وَمِنْ اسْتِشَارَةِ كَفَاهُ وَمِنْ
 اسْتِجَارَةِ أَوَاهُ وَالصَّلَاةُ عَلَى خَيْرِ مَنْ اسْتَجَابَهُ
 اللَّهُ وَكَلَّمَهُ مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ مِنْ أَوْلَاهُمْ
 كَانَتْ الْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَمِنْ عَادَاهُمْ قَالُوا دَعُونَهُ
 وَيَعْبُدُوا مُسْتَمِدَّ فَيُوضِ قُدْسِي مُحَمَّدًا بَاقِرًا جَلَسِي عَفِي

مفتاح الغيب از تصانيف ملا محمد
 باقر مجلسي در باب استخارات

اللَّهُ عَنْ سَيِّئَاتِهِ وَخَشَرَهُ مَعَ مَوَالِيهِ وَسَادَاتِهِ
 بِرَأْوَالِهِ أَرْوَالِجِ بَرَادَرَانِ إِيْمَانِي وَسَالِكَانِ
 مَسَالِكِ قَرَبِ يَزْدَانِي مِيكَانِي كَيْ جَوْنِ اخْبَارِ
 مِتْكَاشَرِهِ وَأَخَادِيثِ مُضَافَرِهِ أَنْ خُصِرَتْ رَسَالَتُهُ
 بِنَاءِ وَعِثَرَةِ طَاهِرَةٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
 أَجْمَعِينَ وَرُضِيْلَتِ اسْتِخَارَةِ وَاسْتِشَارَةِ انْجِنَا
 مَقْدَسِ رَبِّ الْأَرْيَابِ وَبَيَانِ أَنْوَاعِ أَنْ يَنْظُرَ
 قَاصِرُ بَيْنِ بَضَاعَتِ رَسِيدِهِ بُوْدُ وَكَثْرَتِ خَلْقِهِ
 أَطْلَاعِ بَرَاهِمِهَا مَيَسَّرَ بُوْدُ وَبَيَانِ سَبَبِ انْفُؤْدِ
 وَبَرَكَاتِ أَنْ مَحْرُومٌ بُوْدُنْدَ لِهَذَا دَلِيلِ رَسَالَةِ
 كِبَرِ فَاتِحَةِ وَهَشْتِ مُفْتَاخِ بَعْدِ ابْوَابِ جِنَانِ

و خاتمه مشتمل است اخبار و آثار معتبره که در
این باب وارد شده از یاد نموده و بفشاح الغیب
مستفی گردانید مستمد من الله المعونة و هو حی
ونعم الوکیل **فصل** در بیان فضیلت استخاره
است **بنا** استخاره در لغت طلب خیر و
راهنمایی بصلاح خود از کسی نموراست و
استشاره نیز مراجعت کسی که در کشت در امری
ادی را در آن ترددی باشد تا انکاء و اشاره
کند بآیهی که صلاح اینکس در آنست بمقتضا
رای او را اگر چه استشاره از برادران مؤمن
نیز مطلوبست چنانچه بعد از این اشاره بان

خواهد شد اما مقصود اصلی در این مقام طلب
خیر از جناب مقدس الهی است و رجحان از بحسب
عقل و نقل معلوم است چه ظاهر است که
صانع عالم بمصالح دنیا و عقبای بنی آدم از
همه کس دانای تر است و بالطف و کرم نامتناهی
و بی نیاز از خلق و قدرت بر جمیع امور ممکنه
در آنچه صلاح بندگان در آنست صحت و
بخل نینماید خصوصاً وقتی که بنده امور خود را
با و گذارد و از او صلاح خود را طلب نماید پس
باید که بنده خیر خود را در جمیع امور از پروردگار
خود طلب نماید و مصلحت خود را بلطف او

گذارد و اینضا معلوم است که مقتضای بندگی
 و کمال مرتبه عبودیت است که مرادات و ارادات
 خود را تابع ارادات حق گرداند بمقتضای ما
 تَشَاءُ وَلَا اَنْ يَّشَاءَ اللهُ اَنْ يَّشَاءَ مِنْهُ خَدَايَ
 کرد و خواهش خداوند خود را بر خواهش خود
 مقدم دارد تا آنکه خداوند برجم او را بخود
 نکند از دود رهم مبسور و معسور مدبر امور
 او گردد و بفحوائی مَنِ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
 حق تعالی کافی مهتمات و باشد و این مرتبه
 اعلای درجات مقربانست **و بندها معبرین**
 شیخ مفید و سید بن طاووس و دیگران از

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت
 کرده اند که حق تعالی مینماید که از جمله شقاوت
 بنده مرانست که کارها کند و طلب خیر خود را
 من ننماید **و بندها معبرین** بسندهای معتبر از حضرت
 صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که در
 امری بدو استخاره داخل شود و بیایا میباید
 شود خدا او را در آن بلا اجری ندهد **و بندها معبرین**
 بسند معتبر از آنحضرت روایت کرده است که
 میبکفت که هرگاه در امری طلب خیر از حق تعالی
 کرده باشم پروا ندارم که براحت افتم یا بیدار و فرمود
 که پدرم مرا تعلیم استخاره مینمود چنانچه

سوره های قرآن مرا تعلیم مینمود **وایضا** از حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که ما
 استخاره را با دمیگر فیم چنانچه سوره ها قرائتی
 امونیم **وایضا** بسند صحیح از حضرت صادق علیه
 السلام روایت کرده است که هیچ بنده طلب خیر از
 خداوند نکرده است مگر آنکه خیر او را بر او میسر
 گردانیده است هر چند او نخواهد **و شیخ طوسی**
 بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
 روایت کرده است که چون حضرت رسول صلی
 علیه و آله مرا بهمین فرستاد مرا وصیت کرد که
 با علی خیران نمیشود کسی که از خدا استخاره کند

و پشیمان نمیشود کسی که با مردم مشورت کند
و بدانکه بعد از طلب خیر از حق تعالی باید که هر
 رخ نماید بان راضی باشد و بداند که خیر او در آن
 بوده است که واقع شده است هر چند در نظر او
 بد نماید و موافق خواهش او نباشد **و در محاسن**
 بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت
 کرده است که دشمن ترین خلق نزد خدا کسی است
 که خدا را شتم دارد **و زای** گفت کسی باشد که خدا
 را شتم دارد فرمود که بی کی طلب خیر از خداوند
 خود بکند و بعد از آن امری که واقع شود بان
 راضی نباشد پس خدا را در خیر خواهی خود را با دست

خیر او متهم داشته **و سیدان طاهر از حضرت بقا**
علیه السلام روایت کرده است که خداوند عالم
چیزهایی که هر که راضی بقضای من نباشد و شکر
نعمتهای من نکند و شکیبائی در بلای من بعمل
نیاورد پس هر روز گارتی بغیر من طلب کند و
هر که بقضای من راضی باشد و بر نعمتهای من شکر
کند و بر بلای من صبر کند بنویسم او را از جمله
صدیقان نزد خود و حضرت فرمود که هر کس
طلب خیر کند از خدا و امری و یکی از دو امر
برای او بعمل آید و دردش چیری بوده باشد
یعنی از عدم خوشنودی یا خیر بودن آن امر

پس او خدا را متهم داشته **در قضای او و کلینی**
پسندید که از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که دانایترین مردم بخدا کسی است که خدا
تر باشد بقضای او **و پسندید** که دیگر از حضرت امام
زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که
صبر کردن و از خدا راضی بودن سرطاعت و
بندگی خداست و هر که صبر کند در بلا و راضی باشد
از خدا در هر چه برای او حکم کند و مقدر گرداند
خواه موافق خواهش او باشد و خواهش نباشد پس
خدا مقدر نمیکرد اند برای او مگر آنچه خیر او
در آنست خواه دوست دارد و خواه مکر او باشد

و بدانکه استخاره چند نوع است **اول** آنکه در هر
امری که اراده نماید بجانب مقدس الهی متوسل
شود و خیر خود را در آن امر از حق تعالی طلب نماید
و بعد از آن آنچه رود دهند بان راضی باشد از مسیر
شدن این امر بلیست نشدن و از مصالح و مفاسد
که بر شدن یا نشدن آن مترتب شود زیراکه چون
امر خود را بعالم الخفیات تفویض کرده است باید
که راضی باشد بهرچه واقع میشود و بداند که حق تعالی
خیر او را بنظر از او میداند **دویم** آنکه بعد از آنکه
طلب خیر از خدا بکند در دل خود نظر کند و
آنچه بخاطر او می افتد بان عمل کند **سیمی** آنکه

بعد از طلب خیر مشورت کند با مؤمنی و با آنچه
مؤمن میگوید عمل کند **چهارم** آنکه استخاره بقرآن
بجهد یا بتسبیح یا ببنادق یا بر قاع بکند بتفصیل
که مذکور خواهد شد انشاء الله و اکثر احادیث
استخاره دلالت بر قسم اول میکند و بعضی از
علمای ما مانند شیخ مفید و ابن ادریس و حقوق
رضوان الله علیهم در جواز استخاره بغير سه قسم
اول تردد و نامثل کرده اند بلکه ابن ادریس و شیخ
عده جواز داده اند اکثر اعظم علماء بخیر کرده اند
و مستحسن دانسته اند و در کتب فقه و دعا کیفیت
انواع استخارا ترا ذکر کرده اند و شیخ شهید و سید

طاووس علیهما الرحمة طعن بسیار بر انکار ابن دیر
رحمة الله نموده اند و حق آنست که چون حادث
در باب هر یک واقع شده انکار پیشوان کرد
مثلا عده استخاره ان سه شق اولست که درین
زمانها مشرکست **مفسر اول** در بیان نوع اول
انست اغنی استخاره مطلقه **سید علی ابن طاووس**
بند صحیح روایت کرده است از ابن ابی یعقوب
که گفت شنیدم از حضرت صادق علیه السلام
که میفرمود در بیان کیفیت استخاره که تعظیم
و تمجید و حمد خدا می کنی و صلوات بر محمد و آل
او میفرستی **بند** **مکمل** اللهم انی اسألك بانک

عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم و انک
علام الغیوب استخیر الله و حمته **بند** حضرت
فرمود که اگر امر سختی باشد که نیم دلان داشته
باشی صد مرتبه بگو و اگر امر سخی باشد سه
مرتبه بگو **بند** **مکمل** که ظاهر آنست که تکرار صد بار
وسه بار در استخیر الله و حمته باشد و اگر از اول
دعا مکرر بخواند شاید بهتر باشد و اگر پیش از دعا
بند سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
والله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم و بعد از آن دعا را بخواند شاید بدین
و ایضا بسند های معتبر از حضرت صادق

روایت کرده است که هر که بگوید خیر خود را
از خدا بطلبد و او را خیر باشد هر چه خدا از
او برای او میسر گرداند البته حق تعالی آنچه
خیر است برای او میسر گرداند **دین** معتبر
دیگر روایت کرده است که محمد طیار محمد
حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که بما
رسیده است که شما فرموده اید که هر که برای
صد مرتبه خیر خود را از خدا بطلبد البته
خدا خیر او را بنزد او بیاورد حضرت فرمود که
اگر بگوئید نیز خیر خود را بطلبد البته خدا او
را بخیر رساند **و اینها صحیح** روایت کرده است

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که طلب خیر
در هر رکعت از رکعات نافله نماز پیشین کردن
خوب است **مؤلف گوید** که شاید مراد طلبیدن در
سجده باشد **و در مکارم الاخلاق** و کتاب من
لا یحضر از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده اند که در استخاره باید که طلب خیر خود
کند از خداوند عالمیان در سجده آخر نافله
صبح صد و یک مرتبه باین نحو **گوید** اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ بِرَحْمَةٍ
مَرَّتْ بِكَ **گوید** اَسْتَخِیْرُ اللهَ بِرَحْمَتِهِ **و** بِرَحْمَةِ
صَلَوَاتِ رَا اَعَادَهُ بِكَ وَبِحَبْلِ نَجْوٰیكَ مَرَّتْ بِكَ

اَسْتَجِيرُ اللهَ بِرَحْمَتِهِ **ميكويد** رَضِيَ اللهُ عَنْهُ اِنْ رَدَّتْ
وَاَنْقَلَّ كَرَدَهُ اَسْتُفَّ وَكُنْتُ اَسْتُفَّ كَمَا بَعْدَ اَنْ اَنْ
ميكويد اَللّهُمَّ يَا اَبْصِرَ النَّاطِقِينَ وَيَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ
وَيَا اَسْرِعَ الْخَائِبِينَ وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَرِّ لِي فِي اَمْرِ الدُّنْيَا رَدَّتْ
ميكويد تَوَانِدَ بَعْزِي خَاجَتِ خُود رَاذِرْ كَنْد وَاَز
ميكويد لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا اِلَهَ
اِلَّا اللهُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ رَبِّ بَحْرَةِ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَرِّ لِي فِي اَمْرِ
الدُّنْيَا رَدَّتْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ خَيْرَةً فِي
عَاقِبَتِهِ **ميكويد** تَوَانِدَ خَاجَتِ خُود رَاذِرْ كَنْد

بِجَاهِي فِي اَمْرِ الدُّنْيَا رَدَّتْ **ميكويد** الْاَخْلَافُ
اِنْ حَضَرْتَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ
وَرَوَيْتُ كَرَدَهُ اَسْتُفَّ وَكُنْتُ اَسْتُفَّ كَمَا بَعْدَ اَنْ اَنْ
رَكْعَتِ غُلَاوِي كَنْد اَرْدَدَ وَبَعْدَ اَنْ غُلَاوِي رَدَّتْ
ميكويد اَسْتَجِيرُ اللهَ بِرَحْمَتِهِ **ميكويد** اَللّهُمَّ اِنِّي قَدْ
هَمَمْتُ بِاَمْرِ قَدْ عَلِمْتُهُ فَاِنْ كُنْتُ تَعْلَمُ اَنَّهُ خَيْرٌ
لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَيَسِّرْهُ لِي وَاِنْ
كُنْتُ تَعْلَمُ اَنَّهُ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي
فَاصْرِفْهُ عَنِّي كَرِهْتُ نَفْسِي ذَلِكَ اَمْ حَبَبْتُ فَانْكَ
تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ **ميكويد** عَزَّ
مِيكَنْد بِرَأْمِي كَمَا ارَادَهُ كَرَدَهُ اَسْتُفَّ **ميكويد** رَوَيْتُ

کرده است که مردی مد بخداست حضرت صادق
علیه السلام گفت فدای تو شوم گاه هست
که کار پیرایمکم و بعد از آن پشیمان میشوم حضرت
فرمود که چرا استخاره نمیکنی گفت فدای تو شوم
چگونه استخاره کنم فرمود که چون نماز صبح را کردی
دست را بلند کن برابر روی خود و بگو **اللهم**
انک تعلم ولا اعلم وانت علام الغیوب فصل
على محمد وآل محمد و خیر فی جمیع ماعرفت به
من اموری خیار برکت و عافیه **و ایضا** از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است
که چون حضرت علی بن الحسین صلوات الله

علیه اراده حاجی یا عمره یا منده ازاد کردی یا خریدی
یا فروختی میکرد وضو میساخت و در رکعت
اول بعد از فاتحه سوره الرحمن قذر دیم سوره
حشر میخواند و بعد از نماز دو بیت مرثیه طلب
خیر از خدا میکرد یعنی می گفت استخیر الله یا
استخیر الله بر حنیه خیره فی عافیه **فیر** سوره
قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس میخواند پس **میگفت اللهم انی**
قد همت یا مرقد علیه فان كنت تعلم انه
خیر لی فی دینی و دنیای و اخری فاقدره لی
وان كنت تعلم الله شر لی فی دینی و دنیای و

اخرین فاصوفه یعنی رتبه آخر منی علی رشد
و این گوشت او آفتب ذلک نهی بدینم الله الرحمن
الکحیم ماشاء الله لا حول ولا قوة الا بالله
حسبی الله ونعم الوکیل پس متوجه ان امر میشد
و غرض بر آن منتهی بود **و سبب این** رضی الله عنه
بستد صحیح از حضرت صادق علیه السلام روا
کرده است که هرگاه کسی طلبی از پروردگار
خود خواهد طلب نماید باید که در آن روز شستن
مسکین صدق کند و هر مسکین را یک صاع
کندم بدهد بصاع حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و چون شب شود در ثلث آخر

شب غسل کند و جامه کنده که پست ترین
عیالش پوشند بپوشد و بعبوض بر جامه
لنکی بیند درین دو رکعت نماز بخواند و چون
در رکعت دوم سجده اول برود لا اله الا
الله بگوید و خدا را بعتبت و بزرگواری یاد
کند و در نیست که اگر بعد از ذکر سجود تسبیح
اربع و لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
بگوید خوب باشد **پس** گاهان خود را آنچه
در خاطر داشته یاد کند و طلب مغفرت و
وامرزش بکند و اگر بچند **بگوید** اللهم اغفر لی
ما تعلم من ذنوبی **شاید** بد نباشد پس فرمود

که چون سر بجهت دویم بکند صد مرتبه بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخِیْرُکَ بِسَمِّهِ حَاجَتِ که دارد از خدا
طلب و هر مرتبه که بجهت رود لنگ را از زانو
دور کند که زانو بر زمین برسد و عقب لنگ
را بین میان ساقها و زانو داخل کند که مجموع
زانوها و قد هایش بخاک برسد و **علی بن ابراهیم**
در تفسیر حمیر و در قرب الی اسناد روایت کرده
از علی بن اسباط که گفت رفتم بخدمت حضرت
امام رضا علیه السلام و گفتم میخواهم بفرست
بروم و نمیدانم از راه دریا بروم یا از راه صحرا
حضرت فرمود که برو بجهت حضرت رسول صلی

علیه و آله در غیر وقت نماز واجب
و دو رکعت نماز بجا آور و بعد از آن صد
ویک مرتبه بگوید **اَسْتَخِیْرُ الله** و هر مرتبه
صد مرتبه بگوید **وایضا** حمیری بگوید صحیح
از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که هر که در بالای سر مرقد
مور حضرت امام حسین صلوات الله علیه
صد مرتبه طلب خیر از خدا بکند پس حمد
و تهلیل و تسبیح و تحمید و ثنا کند خدا را
البتة خدا خیر او را بر او میسر گرداند
یا در دل او بیندازد **مؤلف گوید** که اگر چنین بگوید

اَسْتَجِيرُ اللهَ بِوَحْيِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةِ صَدَقِ
مَوْلَاهُ **بِسْمِ اللَّهِ** لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ
وَكَبُحَانَ اللَّهِ وَأَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ **شاهد** عمل بحدیث کرده باشد در
صلوات بفرستند و طلب خیر خود از خدا
بکنند و دعائی که بعد از این مذکور میشود
چنانچه در همین حدیث صحیح مذکور است
که راوی گفت که شنیدم از حضرت صادق علیه
السلم که در استخاره این دعا **میخواندند** اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ وَاسْتِخْرَاجِكَ بِعِزَّتِكَ وَأَسْأَلُكَ

مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَوَاقِبِ الْأُمُورِ
إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ
وَأُخْرَى فَيَسِّرْ لِي وَبَارِكْ لِي فِيهِ وَإِنِّي عَلَى اللَّهِ
وَإِنْ كَانَ شَرًّا فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْ لِي الْخَيْرَ
حَيْثُ كَانَ وَرَضْنِي بِهِ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْمِيلَ مَا
اِخْتَرْتُ وَمَا نَاقِرَ مَا عَمَلْتُ **وَكُلِّفَنِي وَشَيْخ** بَسَد
صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
که دو رکعت نماز بکن و طلب خیر خود از حق تعالی
بکن پس بخدا سوگند یاد میکنم که هیچ مسلمان طلب
خیر از خدا نمیکند مگر آنکه البته آنچه خیر او شد
خدا بر دواوی آورد و این **بابویه و شیخ طوسی و**

بما خیر حيث ما كان

بیکران بکنند و غیر از حضرت صادق علیه
السلام و ولایت کرده اند که هر که هفتاد مرتبه
این دعا را بخواند از خدا بخواند البته
خدا آنچه خیر راوست برای او مقدر میگرداند
یا اَبْصِرْ الْکَافِرِینَ وَ یا اَسْمَعْ السَّامِعِینَ
وَ یا اَسْرِعِ الْحَاسِبِینَ وَ یا اَرْحَمْ الرَّاحِمِینَ وَ
یا اَحْکَمِ الْحَاکِمِینَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰهْلِ بَيْتِهِ
وَ خَیْرِی فِی الْاَمْرِ الَّذِی اَرَدْتُ وَ ذَرْمُکَ الْاَهْلَی
همین روایت را نقل کرده و در آخرش گفته است
که پس برو سجده و صد مرتبه بگو استغفر الله
بِرَحْمَتِهِ اَسْتَغْفِرُ اللهَ فِی عَاقِبَةِ عَمَلِیْ جَدِّ رَنده پس

خدا آنچه خیر راوست

موجه آن کار بشود که هر چه روید و بدید خیر تو
در آن است و شهم مدار پروردگار خود را در
آنچه برای تو مقدر کند و بداند که خیر تو البته
در آنست **و شیخ** رحمه الله بسند معتبر از امام
محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که حضرت
امام زین العابدین علیه السلام هرگاه اراده
امری میکردند مانند حج یا عمره یا فرسخ یا خرید
یا بنده آزاد کردن وضو میساختند و دور رکعت
نماز استخاره میکردند و در آن دور رکعت سوره
حشر و سوره رحمان میخواندند پس قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله

اُحَدِّثُوا نَدِيرًا مِنْ دُعَائِهِمْ **اُحَدِّثُوا** اللَّهُمَّ إِنَّ
 كَانَ الْأَمْرُ الَّذِي رَدَّتْ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ
 دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَعَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ فَتَسِّرْهُ
 لِي عَلَى أَحْسَنِ الْأَوْجُوهِ وَأَجْمَلُهَا وَإِنْ كَانَ الْأَمْرُ
 الَّذِي رَدَّتْ شَرًّا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي
 وَعَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ فَاصْرِفْهُ عَنِّي عَلَى أَحْسَنِ
 الْأَوْجُوهِ رَبِّ اجْعَلْ لِي عَلَى رَشْدِي وَإِنْ كُنْتُ
 ذَلِكَ نَفْسِي **وَبِفِي وَسِيد** نَزَّابِ رَوَايَتِ رَأْفَتِ
 كَرَمِهِ أَنْدُو دُعَا خُصَّارِي كَرَمِهِ أَنْدُو هَذَا
 رَوَايَتِ شَيْخِ الْأَخْيَارِ كَرِيمِ **وَابْنِ يَابُوتَةَ وَشَيْخِ**
وَبِكْرَانِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ هَبْ نَدِي حَسَنَ الرِّضْوَانِ

وَأَكْمَلُهَا

وَأَبْنَاهُ

صَادَقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتِ كَرَمِهِ أَنْدُو كَرَمِهِ
 يَكُنِي أَرْشَاهَا أَرَادَهُ كَارِي يَكُنْدُ نِيرُ ذُرُكُثْ نَمَازِ
 يَكُنْدُ نِيرُ حَمْدِ كُنْدَا خَدَارَاوِشَا كَوِيدِ بَرَاوِ
 صَلَوَاتِ فَرَسَنْدِ بَرُحْمَدِ وَالْأَوَّلُ **وَبِكْرَانِ** اللَّهُمَّ
 إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ
 فَتَسِّرْهُ لِي وَقَدِّرْهُ لِي وَإِنْ كَانَ خَيْرًا ذَلِكَ
 فَاصْرِفْهُ عَنِّي **وَابْنِ يَابُوتَةَ** كَرَمِهِ أَنْدُو كَرَمِهِ
 رَكْعَتِ بَخْوَانِمْ فَرَمُودِ كَرَمِهِ أَنْدُو كَرَمِهِ أَنْدُو
 خَوَاهِي قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ
 بَخْوَانِمْ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَرُثْوَابِ بَرَابَرِ اسْتِ
 بَاثَلَتِ قُرْآنِ **وَأَيْضًا** ابْنِ يَابُوتَةَ وَبِكْرَانِ رَضِيَ اللَّهُ

عَلَيْهِمَا ذَوَاتِ كَرَمٍ كَرَمَهُ اسْتَكْرَمَ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ
قُضِيَ لَوْحُ حَضْرَتِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُؤَالَ
كَوْنِ طَبَقِ اسْتِخَارَةِ فَرمود که در آخر رکعتها
تَمَازِ شَبِّ دَرْ شَجَدِ صَدَدِ بَیْکِ مَرْتَبَةِ **بِکُو** اسْتِخْبَرُ
اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَبِرَوَايَتِ دِیْکَرِ صَدِّ مَرْتَبَةِ **وَقَبَسَد**
مُعْتَمِدِ بَیْکَرِ رَوَايَتِ کَرَمَهُ اَنْدَ کَه مَر کَاهِ حَضْرَتِ
صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَزَادَه مِیْفَرمودند که غَلَا
يَا جَهَادِ بَائِي مَجْرَدِ يَا اَمْرَ اَسَانِي يَا حَاجَتِ سَبْکِ
دَاشْتَنْدِ بَرَايِ اَنْ هَفْتِ مَرْتَبَةِ طَلَبِ خَيْرِ اَز
حَقِّ تَعَالٰی مِیْکَرْدَنْدِ وَاکَرِ اَمْرِ عَظِيمِي اَزَادَه مِیْکَر
صَدِّ مَرْتَبَةِ طَلَبِ خَيْرِ مِیْکَرْدَنْدِ **وَأَقْلَشَ** اسْتِخْبَرُ اللّٰهَ

۷۹

بِرَحْمَتِهِ اسْتَكْرَمَ **وَدَرْ قَوْلِ لَمَّا** بَسَدِ مُعْتَمِدِ لَوْحِ
امام موسی علیه السلام رَوَايَتِ کَرَمَهُ اسْتَكْرَمَ
مَرْدِی مَجْدُ مَتِ اَلْحَضْرَتِ اَمَدِ وَكُنْتُ قَدَلِي تَو
شوم مِیْخَوَاهِم بَسْفَرِي بِرُومِ وَبِخَوَاهِم مَرِ اسْتِخَارَةِ
تَعْلِيمِ تَمَازِی کَه اِکْرَمِ مَن دَر اِیْنِ سَفَرِ اَشَدِّ جَلَا
بَرَايِ مَن مِیْسَرِ کَرْدَانْدِ وَاکَرِ مَرَايِ مَن شَرِّ اَشَدِّ
اَز مَن بِکَرْدَانْدِ حَضْرَتِ فَرمود که مِیْخَوَاهِي بَايْنِ سَفَرِ
بَرَوِي کُنْتُ اَرِي فَرمود که اِیْنِ دُعَا رَا بَجَوَانِ نَا
وَالْهٰی تَو خَيْرِ **شَوَد** اللّٰهُمَّ قَدِّرْ لِي مَا اُرَدْتُ وَاجْعَلْهُ
خَيْرًا لِي فَانَاكَ تَقْدِيرُ عَلٰی ذٰلِكَ **وَسَيِّدِ الطَّالِقِينَ**
رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ اَز حَضْرَتِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بِرَحْمَتِهِ

روايت كرده است كه بعد از نماز استخاره اين
دعا بخوانند اللهم انك خلقت اقواما ينجون
الى مطلع النجوم لا وقفات حركانهم وسكونهم
وتصريفهم وعقيدهم وحلهم وخلقني ابرأ
اليك من اللجأ اليها ومن طلب الاخياريات
بها وايقنره انك لم تطيع احدا على عبيك
في مواقعها ولم تسهل له التيسر الى محصيل
افاعيلها وانك قادر على نقلها في مداراتها
في سيرها عن السعور العامة والخاصة
الى الخويس كاشمكة والمفرقة الى السعور
لانك تمحو ما تشاء وتثبت وعبدك احمالكما

ايقنر

ميرها

١٧

لا تها خلق من خلقك وصنعة من صنعك
وما اسعدت من اعتمد على مخلوق مثله
واستمد الاخياريات لنفسه وهم اولئك و
لا استقيت من اعتمد على المخلوق الذي انت
هو لا اله الا انت وحدك لا شريك لك
وسالك بما تملكه وتقدر عليه وانت به
ملي وعنه غني واليه غير محتاج وبه
غير مكترث من الخيرة الجامعة للسلامة و
العافية والغنية لعبدك من حدث الدنيا
التي اليك فيها ضرورته واعاشه ومن خير
الاخرة التي عليك فيها معوله وانا هو

ولا تها

عَبْدُكَ اللَّهُمَّ قَوْلَ يَا مَوْلَايَ اٰخِيَا رَخِيْرَ
الْاَوْقَاتِ حَرَكَتِي وَسُكُونِي وَنَقْضِي وَابْرَارِي
وَسِيْرِي وَحُلُوْلِي وَعَقْدِي وَحَلِي وَاشَدَّ
يَتَوَفِّيكَ غَزِيِي وَسَدِّدْ فِيهِ رَاِي وَاقْدِرْهُ
فِي قَوَادِي حَتَّى لَا يَتَاخَرُ وَلَا يَتَقَدَّمَ وَقْتُهُ
عَنِّي وَابْرُرْ مِنْ نَدْرَتِكَ كُلَّ حَسْرَةٍ تَعْرِضُ لِحَاجَتِي
حَتَّى مَن قَضَائِكَ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ وَيُبَاْعِدُهُ
مَنِّي وَيُبَاْعِدُنِي مِنْهُ فِي دِيْنِي وَنَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي
وَإِخْوَانِي وَأَعْدِي بِهِ مِنَ الْاَوْلَادِ وَالْاَمْوَالِ
وَالْبَهَائِمِ وَالْاَعْرَاضِ وَمَا اخْضَرَهُ وَمَا انْجَبَ
عَنْهُ وَمَا اسْتَصْحَبَهُ وَمَا اخْلَفَهُ وَحَصْنِي مِنْ

وَأَثَرُهُ

٨

كُلِّ ذَلِكَ بَعِيَا ذِكِّ مِنَ الْاَلْفَاتِ وَالْعَاهَاتِ
وَالْبَلِيَّاتِ وَمِنَ التَّغْيِيرِ وَالْتَبْدِيلِ وَالتَّقْيَاتِ
وَالْمَثَلَاتِ وَمِنْ كُلِّ نَكْبَةٍ اَلْخَالِقَةِ وَمِنْ حَمَجِ
الْمُخَوَفَاتِ وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ
وَمِنْ شِمَائِلِ الْاَعْدَاءِ وَمِنْ الْخَطَا وَالزَّلَالِ
فِي قَوْلِي وَفِعْلِي وَمِلْكِي الصَّوَابِ فِيهِمَا يَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِالْحَوْلِ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْحَكِيمِ الْكَرِيمِ بِالْحَوْلِ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْغَنِيِّ الْعَظِيمِ بِالْحَوْلِ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللهِ حَزْرِي وَعَسْكَرِي بِالْحَوْلِ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللهِ سُلْطَانِي وَمَقْدَرِي بِالْحَوْلِ وَلَا

الْمُخَلَّوَاتِ

الْعَلِيمِ

كُلِّ

قُوَّةِ إِلَّا بِاللَّهِ عَزَّيْ وَسَعَى اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَالِمُ
بِجَوَائِزِ فِكْرِي وَجَوَائِزِ صَدْرِي وَلَا تَرْجَحْ فِي
الْأَقْدَامِ عَلَيَّهِ وَالْأَحْجَامِ عَنْهُ مَكُونُ خَيْرِي
وَسَيْرِي وَكَفَائِيهِ بَيْنَ حَالَيْنِ خَيْرُ رَجْوَةٍ وَشَرُّ
أَقْبِيَةٍ وَسَهْوٌ يَحْطِي بِِي وَدِينٌ أَحْوَطُهُ فَإِنْ
أَصَابَنِي الْخَيْرُ أَلْتِي أَنْتَ خَالِقُهَا لِقَبْلِهَا إِلَى
لَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهَا بَلْ يَجُودُ مِنْكَ عَلَيَّ بِهَا
غَمَمْتُ وَسَلْتُ وَإِنْ أَخْطَأْتُ حَسْرَتٌ وَعَظِيْتُ
اللَّهُمَّ فَارْشِدْنِي مِنْهُ إِلَى رِضَاكَ وَطَاعَتِكَ
وَاسْعِدْنِي فِيهِ بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ وَاقْضِ
بِالْخَيْرِ وَالْعَافِيَةِ وَالسَّلَامَةِ الْتَامَةَ الْمُلْكِ

الذَّائِمَةِ لِي فِيهِ حَتْمُ أَقْضِيَّتِكَ وَنَافِعَ عَزْمِكَ
وَمُسْتَيْنِكَ وَابْتِنَى أَمْرُكَ إِلَيْكَ مِنَ الْعَالَمِ بِالْأَوْفَى
مِنْ مَبَادِيرِهِ وَعَوَاقِبِهِ وَقَوَائِحِهِ وَخَوَائِمِهِ وَ
مَسَائِلِهِ وَمَعَاطِيهِ وَمِنْ الْقُدْرَةِ عَلَيْهِ وَاقْوُ
أَنْتَ لَا عَالَمَ وَلَا قَادِرَ عَلَى سَدِّهِ سِوَاكَ فَإِنَّا
أَسْتَهْدِيكَ وَأَسْتَعِينُكَ وَأَسْتَفْضِيكَ وَ
أَسْتَكْفِيكَ وَأَدْعُوكَ وَأَرْجُوكَ وَمَا نَاهٍ مِنْ
أَسْهَدَاكَ وَلَا ضَلَّ مِنْ اسْتَفْتَاكَ وَلَا دَهَى
مِنْ اسْتَكْفَاكَ وَلَا حَالٍ مِنْ دَعَاكَ وَلَا اخْوَ
مَنْ رَجَاكَ فَكُنْ لِي عِنْدَ حَسَنِ طُنُوبِي وَآمَانِي
فِيكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

التي ذكر
بالأدنى
مفاتيح

وَأَسْتَفْضِيكَ

قَدِيرٌ وَأَسْتَهْضَتْ لَهُ هَذِهِ كُلُّ مَهْمَةٍ
أَعُوذُ بِاللَّهِ الْقَبِيحِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَا لَكَ يَوْمَ الْدِينِ إِنَّا كُنَّا نَعْبُدُكَ
وَإِنَّا كُنَّا نَسْتَعِينُ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ
مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ
الْخَاسِرِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ
مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ
مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَمِنْ

شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا
حَسَدَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ
يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُورَةُ نَبَأِكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ
نَا الْحَرَسُورَةُ **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا
بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِلَاخِرَةِ حِجَابًا
مَسْتُورًا وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُو
وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ
وَاحِدَهُ وَكَلَّمَا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا أُولَئِكَ هُمُ
الْغَافِلُونَ أَفَرَأَيْتَ مَنِ اخْتَلَفَ هَوَاهُ وَ
أَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ

وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ عَنَسَآءً مِّنْ يَّهْدِيهِ فَرِحَ
اللَّهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ
بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَا
إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ
فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهَدَىٰ فَلَا
يَهْتَدُوا إِذَا أَبَدَا الَّذِينَ قَالَهُمُ النَّاسُ
إِنَّا لَنَاسٌ قَدْ جَعَلْنَا لَكُمْ فَخْشَهُمْ فَرَادَهُمْ
إِيمَانًا وَقَالُوا أَحَبُّنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَاقْبَلُوا
نِعْمَةً مِّنَ اللَّهِ وَفَضِيلًا مِّمَّنْ سَمَّيْتُمْ سَوَاءً وَاتَّبِعُوا
رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ فَاضْرِبْ لَهُمْ
طَرِيقًا الْحَرِيبَ لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ

لَا تَخَافُ إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمِعُوا أَوْ بَصِرُوا هَلْ لَّيْسَتْ
لَهُمْ فِي هَذَا وَلِكُلِّ مَعْشَرٍ أَسْمَاءُ اللَّهِ الْعَظَامُ
وَكَلِمَاتُهِ السَّوَامُ وَفَوَاحِشُ سُوْر الْقُرْآنِ وَ
خَوَاتِيمُهَا وَمُحْكَمَاتُهَا وَقَوَارِعُهَا وَكُلُّ غَوْدَةٍ
تَعُودُ بِهَا نَبِيٌّ أَوْ صِدِّيقٌ شَامِتٌ لِّوَجْهِ
وَجْهِهِ أَعْدَائِهِ فَمَنْ لَا يُضِرُّونَ وَحَسْبِيَ اللَّهُ
ثِقَةٌ وَعْدَةٌ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَصَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ
وَالِهِ الطَّاهِرِينَ **مؤلف** كَيْفَ كَرْدَرِ ابْنِ دَاوُدَ
سُورُ مَعُودَتَيْنِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ يَزِيدُ لِي مِمَّنْ
الرَّحِيمُ زَا عَادَهُ كُنْدٌ شَايِدٌ بَدَنِي شَايِدٌ وَأَنْفَوِي

دعا ظاهر میشود که از برای دفع شر عادی
این دعا را خواندن مناسبست **و ایضا** سید
الله عنه بسند معتبر روایت کرده است از حضرت
امام رضا علیه السلام که روایت کرد از پدرش
از حضرت امام جعفر صلوات الله علیهما که
این دعا را بخواند در کاری که اراده کند بیند
در عاقبت آن کار مکر آنچه خواهد دوست داد
و دعا **ایست** اللهم خیرک نبیل الزمان و خیر
المواهب و طیب المکاسب و تغنم المطالب
و تهدی الی الاحمد العواقب و تقی من یجدور
التوابع اللهم اخی استخیرک فیما عقد علی

راپی و قادی الیه هوای فاسک یارب ان
تسهل لی من ذلک ما نفع و ان تعجل من ذلک
ما نبش و ان تعطينی یارب الطهر فیما استخیرک
فیہ و عوناً بالانعام فیما دعوتک و ان تجعل
یارب بعدة قریباً و خوفه آمناً و محذورة لما
فانک تعلم و لا اعلم و تقدر و لا اقدر و
انت علام الغیوب اللهم ان ین هذا الامر
خیر الی فی عاجل الدنیا و اجل الاخرة فته
لی و یسر علی و ان لم یکن فاصرفه عنی
واقدر لی فیہ الخیرة انک علی کل شیء قدير
یا ارحم الراحمین **و ایضا** سید رحمه الله

کرده است محمد بن مظفر که آخر فرمائی که از
حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه پیر
امداید عای استخاره بود که باید با نخل کشد
و در نمازهای حاجت پیر میخواندند خواندن
و دعا ایست بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ فَقُلْتَ لَهَا أَتَيْنَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا
قُلْنَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ
بِهِ عَلَى عَصَا مُوسَى فَادَاهِيَ نَلْقَفَتْ مَا يَأْكُلُونَ
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ
السَّحَرَةِ إِلَيْكَ حَتَّى قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

وَبِاسْمِ مُوسَى وَهُوَ وَنَاثُ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ
أَسْأَلُكَ بِالْمُدْرَةِ الَّتِي بَنَى بِهَا كُلَّ جَدِيدٍ وَ
بِجَدِيدِهَا كُلِّ بَالٍ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَقٍّ
مَوْلَاكَ وَبِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ عَلَيْكَ إِن
كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ
وَأُخْرَى أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُسَلِّمَ
عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَتَهْنِئَةً لِي وَتُسَهِّلَهُ عَلَيَّ وَ
تُلَطِّفَ لِي فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ
إِنْ كَانَ شَرًّا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا
وَأَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ وَ

وَاللَّهُ

تَرْضِيَنِي بِقَضَائِكَ وَبِبَارِكَ إِلِيَّ فِي قَدْرِ رَحْمَتِكَ
لَا أُحِبُّ أَنْ يَجْعَلَ شَيْءٌ آخِرَتَهُ وَلَا تَأْخِيرَ شَيْءٍ
تَجْعَلُهُ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ يَا عَلِيُّ
يَا عَظِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ **وَشَيْخُ طُوسِ**
عَلَيْهِ الرِّحْمَةُ دَرَجَاتُ رِوَايَتِ كُرْدَةِ اسْتِخَارَتِهِ
عَلَى النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا حَضَرَ صَادِقُ عَلَيْهِ
السَّلَامُ فَرَمَوْا كَمَا يَدْرِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ دَرَجَاتُ
اسْتِخَارَةِ ابْنِ دَعَارِ **يَمِينُ** اللَّهُمَّ إِنَّ خَيْرَ نَاكٍ
تَنْبِيْلُ الرِّغَابِ وَتَحْزِيلُ الْمَوَهِبِ وَتَغْنِيمُ
الْمَطَالِبِ وَتُطْيِبُ الْمَكَاسِبِ وَتَهْدِي إِلَى
أَحْمَدِ الْعَوَاقِبِ وَتَقِيَّ تَحْدُورَ النَّوَائِبِ اللَّهُمَّ

٢٤

يَا مَالِكُ

يَا مَالِكُ الْمَالُ لَكَ اسْتَخِيرُكَ فِيمَا غَمَّرَ إِلَيَّ عَلَيْهِ
وَقَاتِبُ هَوَايَ إِلَيْهِ فَسَهِّلْ مِنْ ذَلِكَ مَا تَوَعَّرَ
وَيَسِّرْ مِنْهُ مَا تَعَسَّرَ وَكَفِّنِي فِي اسْتِخَارَتِي اللَّهُمَّ
وَأَذْغِ عَنِّي كُلَّ مَيْلٍ وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِي
غَنَمًا وَتَحْدُورَهُ سَلَامًا وَبَعْدَهُ قُرْبًا وَجَدْبَهُ
حُصْبًا اعْطِنِي يَا رَبِّ لَوْ أَنَّ الظُّفَرَ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ
فِيهِ وَقَرَّبَ الْإِنْعَامَ فِيمَا دَعَوْتُكَ لَهُ وَمَنْ
عَلَى يَدِ الْإِفْضَالِ فِيمَا رَجَوْتُكَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ
وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَأَنْتَ عَلَّامُ
الْغُيُوبِ **وَشَيْخُ كَفْعِي** رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ دَرَكُابُ
بِلْدِ الْأَمِينِ أَرَضَتْ أُمَامُ رِضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ

يَا مَوْلَايَ

عليه از جمله ادعیه و سایل ایند عار برای
استخاره روایت کرده است اللهم ان خيرك
فيما استخيرك فيه تيسر الرغائب وتنجزل
المواهب وتغنم المطالب وتطيب المكاسب
وتتهدي الى اجميل المذاهب وتوفى الى
احمد العواقب وتقي مخوف التوائب اللهم
اني استخيرك فيما عزم رأي عليه وقادري
عقلي اليه فسهل اللهم ما توعدتني
منه ما تعتر واكفي في الميهم وادفع عني
كل ما يميم واجعل ربي عواقبه غنما وخوفه
سلا وبعدة قربا وجد به خصبا وارسل

اللهم اجابني وانج طلبتي واقض حاجتي وافلح
عوائقها وامنع بوائقها واعطني اللهم
لواء الظفر يا خيرة فيما استخيرك ووفو
الغنم فيما دعوتك وعوائد الافضال فيما
رجوتك واقربه اللهم يا تالج وحطه بالفضل
وارني اسباب الخيرة واضحة واعلام غنمها
لا محنة واشد دخاق تعثرها وانفس صريح
تيسرها وبين اللهم ملتسها واطلق تحسها
ويمكن استها حتى تكون خيرة مقبلة بالغنم
مزيللة للغم عاجلة التفع باقية الصنع
انك ولي المزيد مبندى باجود ودر محاسن

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت
کرده است که هر طلب خیر از خدا کند باید که
عده شطاق باشد **وایضا** از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که پدر هر کس
ازاده استخاره میکرد وضو میساخت و دور
نماز میکرد و مشغول استخاره میشد و اگر در
انتهای استخاره کسی با او سخن میگفت سبحان الله
میگفت و سخن با کسی نمیکفت تا فارغ میشد
وایضا در کتاب منکات از آنحضرت روایت کرده اند
که در استخاره این دعا بخوانند **اللهم انی استخیرک**
برحمیک و استقدرک الخیر یقدرک علیه
لا ینک

لا ینک عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم
فاَسأَلک ان تصلى علی محمد النبی و آله کما
صلیت علی ابرهیم و آله ابرهیم انک حمید
مجید اللهم ان کان هذا الامر الذی یرید
خیرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی فیسره
لی و ان کان غیر ذلک فاصرفه عنی و اصرفنی
عنه **وایضا** هر دو از آنحضرت روایت کرده اند
که فرمود که بعضی از پدران من در استخاره این
دعا اللهم لك الحمد و ید لك الخیر كله
اللهم انی استخیرک برحمیک و استقدرک
الخیر یقدرک علیه لا ینک تقدر و لا اقدر

وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ
فَمَا كَانَ مِنْ أَمْرٍ هُوَ أَقْرَبُ مِنْ طَاعَتِكَ وَابْعَدُ
مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَأَرْضَى لِنَفْسِكَ وَأَقْضِيَ حَقَّكَ
فَيَسِّرْ لِي وَلِيسِّرْ لَكَ وَمَا كَانَ مِنْ غَيْرِ ذَلِكَ
فَاَصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ فَإِنَّكَ لَطِيفُ الْغَلْظِ
وَالْقَادِرُ عَلَيْهِ **وَدَرْخَانِ** بَسْمَدِ مَعْبَرِ زُورِ
كُودِه اسْتِ كه خُصْرَتِ اِمَامِ مُحَمَّدِ باقر عليه السلام
فرمود كه هرگاه امر عظيمي را اراده كنم صد مرتبه
طلب خير خود از حق تعالى ميكنم و اگر علام
خریدن يا مانند آن باشد سه مرتبه طلب
خير ميكنم **ميگويم** اللَّهُمَّ اِنِّي اسْأَلُكَ بِاَنَّكَ

عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَالشَّاهِدُ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ
الْأَمْرَ الَّذِي ارَدْتُ خَيْرٌ لِي فَخَرِّجْهُ لِي وَيَسِّرْهُ
وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ شَرٌّ لِي فَيَسِّرْهُ لِي وَذَرِّبْهُ
وَالْآخِرُ فَاَصْرِفْهُ عَنِّي اِلَى مَا هُوَ خَيْرٌ لِي وَ
رَضِي فِي ذَلِكَ بِقَضَائِكَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ
وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَقْضِي وَلَا أَقْضِي إِنَّكَ
عَلَّامُ الْغُيُوبِ **بَوْلَف كوكب** كظا هر ش افسانه
پيش از اين دعا صد مرتبه يا سه مرتبه استخیر الله
بر حتمي **بكويد** و بعد از آن اين دعا را بخواند و
احتمال دارد كه هيچ دعا را مگر زنجواند و
اَيضا بسند معتبر ديكر از حضرت صادق

روایت کرده است که میگوید در دعای استغفار
اَسْتَغِيْرُ اللهَ وَاسْتَعِيْذُ باللهِ وَاتَّوَكَّلُ عَلَى اللهِ وَ
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَرَدْتُ اَنْ اُفَسِّسَ
اِلٰهِيْ اِنْ كَانَ ذٰلِكَ لَهُ رِضٰى اِنْ يَقْضَىْ لِيْ خَيْرًا
وَ اِنْ كَانَ لَهُ سَخَطًا اِنْ يَصْرِفْنيْ عَنْهُ وَ اِنْ
يُوفِّقْنيْ لِرِضَاہُ وَ كَلِمَتِيْ وَ شَيْخِ وَ سَيِّدِ رَضِيَ اللهُ عَنْہُمْ
بِسَنَدِ صَحِيْحٍ اَنْ خَضَرْتُ صَلَاتِيْ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ
كَرَدَ اَنْدَکَ دُورِ کَعَثَ نَمَازِ بَکِنِ وَ طَلَبَ خَيْرًا
عَلَامُ الْغُيُوبِ بَکِنِ بِنِ خُجْدَا سُوْکَنْدِ يَادِ مِيْکَمِ
کَهْرِ مَسْلَمَانِ کَهْ خَيْرِ خُودِ رَا از خُجْدَا بَطَلَبَدِ
اَلْبَتَّهْ اَنْجَهْ خَيْرًا وَ سَتِ بِنِزَادِ وَ بِنِ وَ رَدِ

و کفنی و دیگران چندی بن سند از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله را نری بود که کم
کمی ترا قطع شد و میگفت و من نیز میگویم
که کم است خدا و من را که و صاحبان خلق خدا که
باد که افشای ترا بخت کند نماید مگر نزد کسی که
اعتماد بر او داشته باشد پس کتمان کنید و از
آنحضرت را بد رستی که شنیدم میفرمود که یا علی
بخدا سو کند یا دمیکنم که نمیگویم تو مگر آنچه
کوشهای من شنیده و دل من حفظ کرده و دید

مَنْ بُوِيَ أَنْ نَظَرَ كَرِهَ بَيْنَ دُخَانِ رَايَا عَلِيٍّ سَرِ مَرَاثِ
مَكْنِ بَدْرُ سَنِي كَمْ مِنْ أَرْخَدِ وَأَوْدِ خُودِ اسْتَدْعَا كَرِهَ
كَمْ كَرِهَ افشای سَرِ مَن بَكِنْدَ نَزْدِ غَيْرِ مَحْرَمِ اسْلَامِ
بِچَشَانْدِ بَاوِ كَرَمِ آتَشِ جَهَنَّمَ رَا بِنِ فَرَمُودِ كَيْ بَا عَلِيٍّ
بِیَارِی زَرَمِ اَكْرَعَلِ كَنْدِ بَا نَجَه مَن مِی كُومِ
دَرْ نَهَائِ مَرْثَه عِبَادَتِ خَوَاهَنْدِ بُوْدِ هَرْ خِنْدِ
عِبَادَتِ اِيشَانِ كَمْ نَمَائِدِ وَا كَرِهَ تَرْسَانِ دَاشْتِ
كَمْ طَاغِيَانِ اِینِ اَمْتِ دِینِ مَرْضَاعِ كَنْدِ هَرْ
اِینِه اِینِ سَرِ رَا فَا شِ مِی كُودِ مِی مَهْمَه كَسِ مِی كُفْتِ لَهْدِ
مِنْ خَوَاهَمِ كَمْ غَيْرِ كَسِ كَمْ مَحَلِ اَعْتِمَادِ بَاشْدِ بَدَانْدِ اَنَكِ
دَرْ شَبِ مِعْرَاجِ چُونِ بَا سَمَانِ هَفْتِ مِی رَسِیدِ مِ

نَظَرَ كَرَمِ بُوِيَ مَرْجِه اَز عَرَشِ اَلْهِی كَمْ نَوْرَ اَزَانِ
مِی جُوشِیدِ مَانْدِ دِی كِی كَمْ دَرْ جُوشِ بَاشْدِ بِنِ چُونِ
خَوَاسْتِ مِ كَرَمِ مَرَا نَزْدِ اَنْ فَرْجِه نَشَانْدِ بَد وَنْدِ
بِمَنْ رَسِیدِ كَمْ اِی مَحْمُودِ دَر دِكَارَتِ تُو رَا سَلَامِ
مِی رَسَانْدِ مِی كُودِ كَمْ تُو كَرَامِی تَرْسِ خَلْقِ نِ دَاوِ
وَنَزْدِ اَو عَلِی هَسْتِ كَمْ اَز جَمِیعِ مَغْبِرَانِ وَا مَتْنَهَايِ
اِيشَانِ نِهْمَانِ دَاشْتِه اَسْتِ بَغِیرِ تُو وَ هَرْ كَمْ رَا
بِپَسَنْدِی تُو اَز اَمْتِ تُو و كَسِی كَمْ اَوِ پَسَنْدِ دِ بَعْدِ
خُودِ و چُونِ اِینِ دَعَا هَا رَا بَخَوَانْدِ كَلَاهَانِ كَشْتِه
اِيشَانِ بَر طَرَفِ شُودِ و بَعْدِ اَز اَنْ اَز كَلَاهَانِ تَرْسَنْدِ
وَا بِنِ سَبَبِ مِی كُنِمْ تُو رَا بَكَمْتَانِ اَنْ نَا اَنَكِ عَمَلِ

کنند گانا کفتا باین بکشد و دست از سایر طاعتها
بردارند پس در ضمن دعاها فرمود که یا محمد هر
که او را دو امر پیش آید و خواهد که من از برای
او اختیار کنم هر یک را که نزد من پسندیده تراش
پس وقتی که اراده آن امر میکند این دعا را بخواند
اللهم اختر لي بعلمك ووفقني لرضاك وحبك
اللهم اختر لي بقدرتك وحينئذ بعزتك مقنك
وسخطك اللهم اختر لي فيما اريد من هدين
الامرين **فان لم يبرأ** **دوام** اسرها الي واجتها
اليك واقربهما منك وارضاهما لك اللهم
لحي اسالك بالقدره التي زويت بها علم

الاشياء كلها عن جميع خلقك فانك عالم
هوای و سر بری و علامتی فصل علی محمد
والله واشفع بياصيني الى تراه لك رضا ولي
صلاحيهما استخرك فيه حتى تترك مني من
ذلك امرا ارضى فيه بحكمك واتكل فيه على
فضائك واكفي فيه بقدرتك ولا تقلبي
وهوای هواك مخالف ولا ما اريد لما يري
جانب اعلب بقدرتك التي تقضي بها ما احب
هواك هوای ويسرني لليسر التي ترضا
بها عن صليها ولا تخذلني بعد تفوضي اليك
امري برحمتك التي وسعت كل شيء اللهم

اَوْفَعْ خَيْرِنَاكَ فِي قَلْبِي وَافْتَحْ قَلْبِي لِلزُّوْمِهَا يَا كَرِيمُ
اَمِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ **بِسْمِ** هَرگاه این دعا بخواند
در اختیار میکند برای او منافع او را در دنیا و
آخرت **وَسَيَدْبِسْكَ رُوحٌ** از در راه روایت کرده
است که گفت بحضرت امام محمد باقر علیه السلام
عرض کردم که هرگاه اراده کاری داشته باشم
و خواهم طلب خیر خود را برود کار خود بکنم
چگونه بگویم حضرت فرمود که هرگاه اراده
استخاره داشته باشی روز سه شنبه و چهار
شنبه و پنجشنبه را روزه بدار پس در روز جمعه
در مکان پاکیزه دو رکعت نماز بکن پس نظر

کن بجانب سَمَانِ وَصَدِّ مَرْثِيهِ بِكُوَاللَّهِمَّ اِنِّ
اَسْأَلُكَ يَا نَاكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ اَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ اِنْ كَانَ هَذَا الْاَمْرُ
خَيْرًا لِي فِيمَا احَاطَ بِهِ عِلْمُكَ فَيَسِّرْهُ لِي وَبَارِكْ
فِيهِ وَافْتَحْ لِي يَا بَهْ وَاِنْ كَانَ فَلَكَ شَرٌّ لِي فِيمَا
احَاطَ بِهِ عِلْمُكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي بِمَا تَعْلَمُ وَلَا
اعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَتَقْضِي وَلَا اَقْضِي
اَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ **وَاَيْضًا** بسند معتبر از
کتاب دلایل حمیری روایت کرده است از محمد
ابن مهمل قمی که گفت من در معطمه مکه بمجاور
پس رفتم بمدینه و بخدمت حضرت امام محمد

نقی علیه السلام مشرف شدم و ازاده داشتم
که از حضرت سؤال کنم از برای شرف و کرامت
جامه را که پوشم و میسر شد که سؤال کنم
تا واقع کردم و بیرون آمدم و خواستم که از پناه
بیرون روم باز بخاطر رسید که عریضه محمد
حضرت نویسم و جامه را سؤال کنم چون
داشتم عریضه را نوشتم و رفتم بمحمد حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و در رکعت نماز
استخاره کردم و بعد از آن صد مرتبه طلبید
از خدا کردم پس دردم افتاد که نامه را نفرستم
نامه را دیدم و از مدینه بیرون رفتم چون

روانه شدم دیدم که خادم آنحضرت در میان
قطارها میگردد و سؤال از مکان من میکند
چون بمن رسید دستانی بمن داد که دو پارچه
بسیار خوش قماش نازک در میان آن پیچیده
بود و گفت مولای تو این جامه را برای تو
فرستاده است پس احمد بن محمد بن عیسی راوی
حدیث گفت که در آن زودی محمد بن سہل
بر حجت خدا رفت و من او را غسل دادم و
در همان جامه که حضرت فرستاده بودند او را
گفتم کردم **تو لاف گوید** که در این حدیث چندین معجزه
از انجذاب ظاهر شد **اول** آنکه حضرت دانسته

که در خاطر او بوده که جام طلب کند برای او
فرستادن **دویم** آنکه اشعار فرمودند که اجل
او نزدیک شده احتیاج بجامه دوخته ندارد
سیمی آنکه جامها بعد از ثواب ضروری کفن
برای او فرستادند زیرا که میدانشند که در
کفن بآنها احتیاج خواهد شد و سید رحمة الله
این حدیث را برای آن نقل کرده است که استخار
و نماز آن باین نحو میان محدثین شیعه مشهور
و معروف بوده و این حدیث بمفتاح اینند
النسب و شیخ **محمّد علی** در مسایل غریبه گفته
است که از برای استخاره نماز مقرری هست

و آن دو رکعت با هر رکعت یک خواهد و بعد از
سلام حمد و ثنای خدا بگو و صلوات بر محمد
و آل بفرستند و بگوید **اللهم انی استخیرک**
بعلمک و قدرک و استخیرک بعزک و
اسألك من فضلك فانک تقدر و تعلم
ولا اعلم و انت علام الغیوب اللهم
ان کان هذا الامرا الذی عرض لی خیرا
فی دینی و دنیای و آخرتی فیسره لی و
بارک لی فیہ و اعنی علیه و ان کان شرا
لی فاصرفه عنی و اقض لی الخیر حیث کان
و صغیر به حیث لا احب تعجل ما اخرت

وَلَا تَأْخِرْ مَا عَجَّلْتُ **وَالْكَوْثُ الْكَوْثُ** اللَّهُمَّ خَرِّ لِي
فِيمَا عَرَضَ لِي وَاقْضْ لِي بِأَخْجَرِ وَفِيمَا وَقَفْتَنِي لَهُ
مِنْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **شیخ طوسی**
عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ دُرْكَابِ مَبْسُوطٍ وَنَهَائِهِ كَفْتُهُ
أَنْتَ كَسْتِ اسْتِشَادِي أَمْرِي كَمَا أَرَادَهُ كُنْدُ
دُورِ كَعْتِ نَمَازِ بَكُنْدِ وَهَرِ سُورِهِ كَمَا خَوَاهِدُ دُرْ
أَنْ دُورِ كَعْتِ دُورِمْ بَخَوَانْدِ وَبَعْدَ أَنْ سَلَامِ
هَرْدِ عَاكَ دَانْدِ بَخَوَانْدِ وَمَطْلَبِ خُودِ رَابِطِلْدِ
بَيْنِ بَسْجَدِهِ رُودِ وَصَدْمَتِهِ **بگوید** اسْتَخِيرُ اللَّهَ
فِي جَمِيعِ أُمُورِي **وَابْنِ** أَدْرِيسَ وَابْنَ الْبَرَّاجِ وَكَهْ
اللَّهُ عَلَيْهِمَا نَيْرَ تَرْدِيكَ بَيْنَ كَفْتِهِ أَنْدُوسِيدِ

بَسْمِ اللَّهِ عَلَيَّ أَرْحَمَ الْمَسْلُومِينَ **وَابْنِ** كُودَهُ أَنْتَ كَهْ
أَرَادَهُ شَامِ كَرْدَمِ وَحَضَرَتْ صَادِقِي عَلَيْهِ
السَّلَامُ مَرَّامِ كَرْدَمِ كَهْ **دَعَا مُحَمَّدًا** اللَّهُمَّ إِنْ
كَانَ هَذَا الْوَجْهَ الَّذِي هَمَّتْ بِهِ خَيْرًا لِي
فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَعَاقِبَةِ أَمْرِي وَجَمِيعِ الْمَسْأَلَةِ
فَتَيَسِّرْهُ لِي وَبَارِكْ لِي فِيهِ وَإِنْ كَانَ ذَلِكَ
شَرًّا لِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي إِلَى مَا هُوَ خَيْرٌ لِي مِنْهُ
فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ
أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ **بِسْمِ اللَّهِ** اسْتَخِيرُ اللَّهَ
چون چنين كردم رفتن شام بر طرف شد و همان
هنگامه را صرف سفر حج كردم **وَأَيْضًا** رَاوِي كَعْتِ

که استخیر الله را در امر عظیم صد مرتبه بگوید و
در هر سهیل ده مرتبه **و این تراج** قدس سر در
مذهب گفته است که بهترین انواع استخاره
آنست که دو رکعت نماز بجا آورد چنانچه سنا
نوافل را میکند و قنوت در رکعت دوم بخواند
و در سجده آخر نماز صد مرتبه بگوید استخیر الله
پس بگوید لا اله الا الله العليم الكريم لا
اله الا الله العلي العظيم رب بحق محمد و
محمد صل على محمد و آل محمد و خیر فی الامر
الذی اردت **مؤلف گوید** که احادیث در باب
این نوع استخاره بسیار است و **بجز** بعضی آنچه

مذکور شد اختلاف بسیاری داشت همین
اکفا نمود و بهر يك از آنها که ذکر کردیم اگر عمل
کند خوبست و اگر بعضی را با بعضی ضم کند تمام
تر خواهد بود و از جمله **دعاها که مناسب این نوع است**
دعا ضعیفه کامله **است** اللهم انی استخیرک
بعلمک فصل علی محمد و آلہ و اقض لنا ما نحتاج
و اھیننا معرفۃ الاختیار و اجعل ذلک
ذریعۃ الی الرضا بما قضیت لنا و التسليم
لما حکمت فارح عنار ربنا اھل الأریاب و
ایدنا یقین المخلصین و لا تمننا عجز المعرفة
عما تخیرت فغط قد رک و نکره موضع

رِطَالِكَ وَتَجَّحَّ إِلَى اللَّهِ فِي بَعْدٍ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ
وَاقْرَبُ إِلَى خُدَا الْعَافِيَةِ حَتَّى لَيْسَ مَا نَكُوهُ
مِنْ قَضَائِكَ وَسَهِّلْ عَلَيْنَا مَا تَسْصِيبُ مِنْ
حُكْمِكَ وَالْهَيِّئْ لَنَا الْإِنْفِيسَ لِمَا أوردتْ عَلَيْنَا
مِنْ مَشِينِكَ حَتَّى لَا نَحْبْتَ نَاحِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا
تُجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا نَكُوهَ مَا أَجَبْتَ وَلَا
تُخَيِّرَ مَا كَرِهْتَ وَخَتِّمْ لَنَا يَا إِلَهِي أَجْمَدَ عِلَّةٍ
وَأَكْرَمَ مَصِيرٍ إِنَّكَ تَقْدِرُ الْكَرِيمَةَ وَتُعْطِي
الْجَسِيمَةَ وَتَفْعَلُ مَا تَرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ وَظَافِرٌ دُرِّ قَسَمِ دُومِ نِزْوَانْدَنِ مُنَاسِبِ
بَاشَدِ وَدَرِ اقْسَامِ دِيكَرِ بَعِيدِ اسْتِ مُفْتَاحِ دُومِ

د

دربیان نوع دوم استخاره است که بعد از عمل
استخاره رجوع بقلب خود کند و آنچه در خاطر
رجحان بهم رسیده بان عمل نماید چنانچه
شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب اقتصاد
گفته است که کسی که اراده امری کند سنت است
که غسل کند و دو رکعت نماز بجا آورد و بعد
از آن بجمعه رود و صد مرتبه بگوید استخیر الله
تعالی فی جمیع اموری کلها خیرة فی عافیة
پس آنچه در دلش افتد بان عمل کند و کلینی و شیخ و
سید و طبرسی رحمه الله علیهم بسند کامل صحیح روایت
کرده است که ابن اسباط اراده مصر داشت و

در راه دنیا و آخرت و بود حضرت امام رضا
صلوات الله علیه فرمود که برو بمسجد در غیر وقت
نماز واجب و در رکعت نماز بکن و صد مرتبه
طلب خیر خود از خدا بکن و آنچه در دل می افتد
بآن عمل کن **و بر روایت** علی ابن ابرهیم صد و یک مرتبه
استغفر الله نیکو **اگر** استغفر الله بر حنیه خیره
فی عافیه **بگوید** بهتر است و شیخ رحمه الله در
مجالس بسند معتبر از حضرت امام علی نقی علیه
السلام روایت کرده است که حضرت صادق
صلوات الله علیه فرمود که هرگاه یکی از شما را
حاجتی عارض شود باید که مشورت با پروردگار

خود بکند گفتند چگونه مشورت کند فرمود که
بعد از نماز فرض سه سجده رود و صد مرتبه
بگوید اللهم خیر لی **پس** منو شل شود بما وصلوا
فرستد بر ما و ما را شفیع گرداند در درگاه خدا
پس آنچه خواستعالی بدش می ندادد بآن عمل
کند و این مطالب اگر بفارسی بگوید نیز خوب
و اگر بگوید اللهم انی اتوسل الیک بنیک
بنی الرحمه محمد و اهل بینه الظاهرین و
اتوجه بهم الیک ان صلی علی محمد و آل
محمد و ان تلهی منی ما هو خیر لی فی دینی و دنیا
و آخرتی خیره فی عافیه بر حنیه یا ارحم

الْوَالِجِينَ **فَلَا مَلْأَ عَوْبَ** بَاشَد **وَرَفَعَهُ الرَّصَا**
 مَدَّ كَوْرَامَتِ كَهَرْگَاهِ اَمْرَهْ اراده کنی دور رکعت
 نماز کن و صد مرتبه استغفر الله بگو **بگو لا اله الا الله**
 الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمِ
 اَللّٰهُمَّ رَبِّ يَحْيٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى خَرَجِيْ فَمَا اَرَدْتَ
 لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ خَيْرَةً مِنْ عِنْدِكَ لَكَ فِيْهِ
 رِضًا وَلِيْ فِيْهِ صَلاَحٌ فِيْ خَيْرٍ وَغَافِيَةٌ يَا ذَا
 الْمُنَنِ وَالطُّوْلِ **بِسْ** اِنْجَه رَاشِنِ بَرَانِ قَرَارِ كِرْدِ
 بَعْلِ او رَد **وَسَيِّدِ** رَضِيَ اللهُ عَنْهُ بَسَنَدِ هَايِ
 صَحِيحٍ وَمُعْتَبَرٍ رَوَايَتِ كَرْدَه اسْتِ كِه مَرْدِيْ مَحْضَرِ
 اِمَامِ مُحَمَّدِ جَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَرِيضَه دُرْ بَابِ

فَرُوغْنِ مِلْكِ نَوْشْتِ دِرْ جَوَابِ نَوْشْتِنْدِ كَرْدِ
 رَكَعَتِ نَمَازِ نَجَا او رُو بَعْدِ اَزَانِ صَدِ مَرْتَبَه
 طَلَبِ خَيْرِ خُودِ اَزْ خُدَايَكُنْ وَ دَرِ اَشْنَائِ اسْتِغَا
 بَا كِسِيْ مَحْنِ مَكُونِ اَصْدِ مَرْتَبَه تَمَامِ شُودِ تَيْسِرِ اَكْرِ
 دُرْدَلِكِ بِيَقْنِدِ فَرُوغْنِ اَمْنَلِكِ بَفَرُوشِ **وَسَيِّدِ**
دُرْدَلِكِ رَوَايَتِ كَرْدَه اسْتِ كِه حَضَرِ
 رَسُوْلِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَاسَرِ كَفْتِ كِه هُو
 كِه اَمْرَهْ اراده کنی هَفْتِ مَرْتَبَه طَلَبِ خَيْرِ اُو
 پُرُو رَدْ كَارِ خُودِ بَكُنِ تَيْسِرِ اِنْجَه دُرْدَلِ نَوْ بِيَقْنِدِ
 بَكُنْ كَخِيَرِ تُو ذَرِ اَسْتِ **وَاَيْضًا** دُرْ صَاحِ عَالِه
 اَزْ جَابِرِ بِنِ عَبْدِ اللهِ اَنْصَارِيْ رَوَايَتِ كَرْدِه اَمْدِ

كَرَضَتْ رَسَالَتِكَ بِنَاهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 اسْتِخَارَهُ وَأَعْلَمَ بِكَ دُخَانِجَهُ سُورَةَ قَرَأَتْ
 نَعْلَمُ بِكَ وَنَعْلَمُ بِكَ كَهْرَبِكَ أَرْشَمَاكَ أَهْلًا
 فَصَدَّ نَمَائِدُ دُورِكَ نَمَازُكَ بَكَدْ دَرْغِي وَفَقْتُ
 نَمَازُ وَاجِبِ **بِسْمِكَ يَا اللَّهُ** إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ لِعِلْمِكَ
 وَأَسْتَعْدِدُكَ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ
 الْعَظِيمِ فَأَتُكَ بِقُدْرَتِكَ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا
 أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ إِن كُنْتُ
 نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي
 وَعَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ فَأَقْدِرْهُ لِي وَلِيَسِّرْهُ لِي
 ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتُ نَعْلَمُ أَنَّ

هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاجِلِ
 أَمْرِي وَآجِلِهِ فَأَصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ
 وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ وَرَضْنِي بِهِ وَجْهًا
 خُودِ زَانَا بِمِرْدُ **وَيُشْخِصُ بِمِقْدَرِ مَقْنَعِي** **بَابُ**
 كَفْتُهُ أَنْدُ كَهْرَبًا أَمْرِي أَرَادَهُ كُنِي دُورِكَ
 نَمَازُ بَكْنِ وَصَدِّ بِكَ تَبَهُ أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ بِكَ
وَيُشْخِصُ بِمِقْدَرِ مَقْنَعِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا
 إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ رَبِّ يَحْيَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَرْلِي فِيهَا
 أَرَدْتُ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ خَيْرًا مِنْكَ فِي عَاقِبَتِهِ
 بِسْمِ هَرَجِهِ بِرَأْنِ عَزْمِ كُنِي بَعْلًا أَوْ رُكْنِي **وَيُشْخِصُ**

وَسَيَسْأَلُكُمْ فِيهَا بَسَد مُعْتَبَرُ رَوَايَتِ كُودَه آند
 كه اسحق بن عمار بنجد مت حضرت صادق
 عرض كرد كه بسيار واقع ميشود كه امر برا
 اراده ميكنم و بعضي امر ميكنند بان و بعضي
 نه ميكنند حضرت فرمود كه هرگاه چنين
 دور كعت نماز كن و صد و يك مرتبه طلب خير
 از خدا بكن پس نظر كن كه كدام يك در دست تو
 راجح است پس آنرا بكن كه انشاء الله خير تو در
 است و بايد كه طلب خير زاد در عافيت بكني
بِكُونِي اسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ زِيَادَةٍ
 بسا باشد كه خير آدمي در بریدن دست او بسا

ياد مردن فرزند او ياد در رفتن مال او يعني
 چند خير در اينها باشد **انا** چون اكثر خلق صبر
 بر اين بلاها نمي توانند كرد و خوفناك است
 بر آنكه خير زاد را مي فراردهد كه مقرون بقا
 از اين بلاها باشد پس در دعا بايد كه شرط
 عافيت بكند **سَيَسْأَلُكُمْ** بَسَد صحيح از امام محمد
 باقر عليه السلام روايت كرده است كه هر چند
 كه صد مرتبه طلب خير از حق تعالى بكند البته
 آنچه خير اوست در دلش مي افتد **سَيَكُونُ** اَللّهُمَّ
 عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ اِنْ كَانَ مَا ارَدْتُ
 خَيْرًا لِّامْرِئِي نِيَّايْ وَآخِرَتِي وَعَاجِلِ امْرِئِي وَآجِلِي

فَيَسِّرْ لِي وَافَتْحْ لِي بَابَهُ وَرَضِّنِي فِيهِ بِقَضَائِكَ
^{وَعَنْهُ رَأْيُ أَهْلِ الْإِسْلَامِ}
 وَتَعْلِيمِ الْأَنْبِيَاءِ الْأَوَّلِينَ وَتَعْلِيمِ الْأَنْبِيَاءِ الْآخِرِينَ
 کرده است که حضرت صادق صلوات الله علیه
 فرمود در استخوان که بعد از نماز فرضیه سجده
 میرود و صد مرتبه **سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ خَيْرُ بَسْمِ**
 متوسل میشود بر رسول خدا و ائمه هدی صلوات
 الله علیهم و صلوات برایشان میفرستد و بشارت
 شفیع خود میکند و اند پس آنچه بعد از آن خدا
 او را الهام کند عمل بآن میکند زیرا که البته از
 جانب حق تعالی است **مَقَامِ اسْتِخَارَةِ** بجنب
 مقدس الهی است با مشورت کردن با مؤمنان

بنا که مشورت کردن با برادران مؤمن عاقل
 از اهم امورات است و ناکند بسیار در ایات و اخبار
 در آن وارد شده است چنانچه حق تعالی برای
 تعلیم سایر بندگان و تالیف قلوب مؤمنان و
 منافقان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
 و آله را که صاحب عقل کل بود و خاطر مقدس
 مهبط اسرار و حی الهی و مشرف انوار الهامات
 نامشاهی بود خطاب نمود که و شاورهم فی الامر
 فَادْعُهُمْ فَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُكَلِّمِينَ
یعنی با صحابه مشورت کن در امر جهاد و غیر آن
 که اراده بینمائی پس چون غم کنی بر آنچه ما

بر زبان ایشان جاری میسازیم و بخاطر مقتدا
تو می اندازیم پس توکل کن بر خدا و کار خود را
با و بگذار و اعتماد بر غیر او ممکن بدرستی که
خدا دوست میدارد آنها را که در همه امور
بر خداوند خود توکل میکنند **بدانکه** با امر
انحضرت بشوره برای تعلیم سایر بندگان و
نظایف خاطر مؤمنان و مصالح بسیار دیگر باز
امر فرمود توکل و اعتماد بر جناب مقدس او
و تفویض امور خود بعلم کامل و لطف شامل
او پس با ارتکاب مشورت باید که اعتماد بر او را
خاک نکند و خیر خود را از علام الغیوب

طلب کند تا آنچه خیر است حق تعالی بزرگوار
ایشان جاری گرداند **و ایضا** در جای دیگر فرمود
است وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ
پس مدح کرده است جماعی را که اجابت میکنند
پروردگار خود را در هر امری را موردین که
ایشان را بسوی آن میخواهند و نماز را برپا میدارند
در اوقات فضیلت با شرایط و آداب آن و کار
ایشان مشوره است در میان ایشان یعنی مستبد
برای خود نمیباشند و در هر کار بایکدیگر مشور
میکند و از آنچه بایشان رومی کرده ایم از ما

حلال در راه رضای ما اتفاق میکنند و از این
آیه کرمیه نهایت مبالغه در مشورت ظاهر میشود
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله متفق
که هر که با کسی مشورت کند البته هدایت بی
نیاید با آنچه خیر او در آنست و در حدیث دیگر
فرمود که یا علی کسی که طلب خیر خود از خدا
میکند در کار خود آن نمیشود و کسی که در کارها
با مردم مشورت می کند دشمنان نمیشود و از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که
نفس خود را بخطرهای اندازد کسی که مشغنی
میشود برای خود از رای دیگران **و سید و بر**

و دیگران بسند معتبر از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده اند که مشورت تمیاض
مگر با چهار حد اگر کسی آنها را رعایت کند
منفع میشود و اگر نکند ضررش بر مشورت کند
زیاده از نفع آنست **اول** آنکه با کسی مشورت
کند که عاقل باشد **دوم** آنکه از او دین دار
و صالح باشد **سیم** آنکه دوست و برادرش
باشد **چهارم** آنکه او را بر سر و راز خود مطلع
کردانی بخوبی که چنانچه تو را از خود را میدانی
او هم بداند و اعتماد بر او داشته باشی که افشا
راز تو نمیکند نزد مردم **اما اول** برای آنکه اگر

عاقل باشد زنی او بکار تو نمی آید و زنی احمق
بکار نمی آید و اما در برای آنکه اگر از او بدین
دار باشد سعی میکند که خیر تو را بداند و بتو
بگوید و اگر از خدا نترسد پروا ندارد از آنکه خیر
تو را از تو پنهان کند و اما سیم زیرا که اگر بگوید
و برادر ایمانی نباشد و از خود را با او نمیتوانی
گفت و اما چهارم برای آنکه تا اسرار تو را نداند خیر
تو را نمیتواند دانست و مؤلف گوید که در عبارت
حدیث اجمالی هست و حاصل مضمونش آنست
که مذکور شد و در نیست که مراد از آزاد کردن
خوش اخلاق باشد چنانچه بسند معتبر از حسن

این مجمعه منقولست که حضرت امام رضا علیه
السلام فرمود که عقل پدرم برشته بود که عقلها
دیگر از ایشان نمیتوانست سنجید و با آن مرثیه
از علم و عقل بسیار بود که بایکی از سیاهان
غلامان خود مشورت میکرد میگفتند یا چنین
کسی مشورت میکنی جواب میفرمود که بسا باشد
که خدا خیر مرا بر زبان او جاری گرداند پس آنچه
ان سیاهان میگفتند از مصالح بساتین و
منازع آنحضرت با نعل منهدود و آنحضرت صادق
علیه السلام منقولست که آنحضرت رسول
صلی الله علیه و آله پرسیدند که حرم و دود

اندیشی چیست فرمود که مشورت کردن با صالحان
عقل و رای نیک و متابعت ایشان کردن
و مکارم از حضرت صادق علیه السلام روا
کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله فرمود که مشورت کردن با عاقل ناصح خیر
خواه موجب بهمت مبارکی و رشد و صلاح
و توفیق حق تعالی است پس هرگاه خیر خواه دانا
عاقل رای برای تو اختیار کند زنه را مخالفت
او ممکن که باعث هلاک تو میگردد **و در حدیث دیگر**
فرمود که هیچ معاوینی غیر از مشورت کردن نیست
و هیچ عقلی بیشتر ازند پیر نیست و از حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که مشورت
کن با جماعتی که از خدا ترسند و دوست دارند
مؤمن را بقدر بر گیرند کاری ایشان و بر پر گیرند
از زنان بد و از بندگان ایشان نیز در حدیث روا
اکر تو را به نیکی امر کنند مخالفت کن ایشان را ناطع
نکنند در آنکه موافقت کنی ایشان را در بدیها
و در حدیث دیگر فرمود که من هزارم از کسی که
مسلمانی با و مشورت کند و آنچه خیر او را در
آن داند با و نکوید و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله مرویست که هر گروهی که با یکدیگر
مشورت کنند در میان ایشان کسی باشد که

نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در
 مشورت ایشان داخل باشد البته آنچه خیر
 ایشانست برایشان ظاهر میشود و آنحضرت
 صادق علیه السلام منقولست که مشورت کن
 با مردان عاقل پرهیزکار زیرا که امر نمیکند تو را
 مکر و نیرنگی و زنها که مخالفت ایشان مکن که
 مخالفت زنانی پرهیزکار باعث فساد دین و
 دنیا است **بگند** معتبر از حضرت صادق علیه
 السلام منقولست که اگر خواهی نعمت الهی برای تو
 مستقیم باشد و معرفت و مردی تو کامل و تمام
 باشد و زندگانی تو نیکو باشد پس در امور خود

بیاورده و مردم دینی و دون مشورت مکن و آنحضرت
 رسول صلی الله علیه و آله مرویست که مشورت
 مکن با جناب و ترسان که راه بدرشد را بر تو نهند
 میکند و بسبب جبنی که دارد راه کشاد را بتو نهند
 و مشورت مکن با نجیل که مانع میشود تو را از
 رسیدن بنهایت مقصود خود و مشورت مکن
 با کسی که حرص دنیا داشته باشد زیرا که زینت
 میدهد برای تو بدترین زیهارا **و بسند** معتبر از
 حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که
 برادر مؤمنش را و مشورت کند و آنچه خیر
 او را در آن داند بگوید حق تعالی عقل و رأی او را

از او سلب کند و در محافل و مجالس **الاکابر** و **الکبار**
بستد های معتبر از حضرت صادق صلوات الله
علیه منقولست که هرگاه یکی از شما کار را اراده
کند یا کسی مشورت نکند یا آنکه پیش از آن با خدا
خود مشورت کند **راوی** گفت چگونه یا خدا
مشورت کند فرمود که اول از حق تعالی طلب
خیر خود بکند بعد از آن با مؤمنان مشورت کند
تا خدا آنچه خیر او در اوست بر زبان ایشان جاری
گرداند و در **مسند** از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که هرگاه امری را اراده کنی پیش
با کسی مشورت مکن تا با خدا مشورت کنی پس **رسید**

که چگونه باید و در کار خود مشورت کند فرمود که
صد مرتبه بگوید **استغفر الله** **پس** یا مردم مشورت
کند تا خدا خیر او را بر زبان هر که خواهد جاری کند
رسید بستد معتبر از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که چون احدی از شما چیزی را
اراده کند که چیزی بخرد یا بفروشد یا داخل امری
شود پس اول خیر خود را از خدای عز و جل سؤال
کند باینکه **بگوید** اللهم انی ارید امرافان کان
خیرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی و عاجل آن
و آجله فیسر لی و ان کان شرا لی فی دینی
و دنیای و آخرتی فاصرفه عنی رب اغفر لی علی

رشدی بآن کرهنه و آینه نفسی **بهر** باده نغراز
مؤمنان مشورت کند در آن امر که اراده کرده است
و اگر کرده کسی نباید هیچ نفر مشورت کند با هر یک دو یا
و اگر نیابد مگر دو نفر از مؤمنان با هر یک پنج مرتبه
مشورت کند و اگر نیابد مگر یک یا دو نفر نوین
مشورت کند **مؤلف گوید** که اگر صد مرتبه استخیر الله
را با این حدیث ضم کند اتم و اکمل خواهد بود ان شاء الله
تعالی **مفتاح جهنم** در بیان استخاره بقرآن بخشد
کلینی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روا
کرده است که فقال مکن بقرآن مشایخ ما رحمه الله
علیهم لم یجد شیء را ناویل میکردند که مراد از همین

قال کثودن از قرآن است که احوال آینه را از
آیات مناسبه استنباط کند چنانچه بعضی از
جهال اینرا وسیله روزی خود کرده باین نحو
مردم را فریب میدهند **مخاطب** فقیر میزد که ممکن
است که مراد همی از تعال و نظیری باشد که اکثر
خلق از دیدن و شنیدن بعضی امور میکنند
و بعضی را بر خود مبارک و بعضی را شوم میگیرند
مانند صدای کلاغ و جغد و دیدن بعضی از
حیوانات و غیر آن در افتتاح سفر و احوال دیگر
یعنی از شنیدن بعضی از آیات کریمه قال انیا
و قال بد میگیرند و شاید یک حکمتش این باشد که

باعث کم اعتقاد می مردم بقرآن کریم نکردند اگر
موافق نیفتند **استخاره بقرآن** بچندین طریق
معروفست و در بعضی از کتب مذکور است **اول**
آنکه بعد از طلب خیر از جناب مقدس ربانی
مصحف را بکشد و آیه اول صفحه دست راست
را ملاحظه نماید اگر آیه رحمتی یا امر بخیری باشد
خوبست و اگر آیه غضبی یا نهی از شری یا امر
بشری یا عقوبتی باشد بد است و اگر دو جهتین
باشد یا شنبه باشد میانه است **چنانچه شیخ**
طوسی در تہذیب صاحب کتب الغایات و سید
ابن طاووس رضی الله عنہم بسند معتبر زانیت

کرده اند که یسع بن عبد الله قتی بحضرت صادق
علیه السلام عرض کرد که من اراده میکنم کاری را
و طلب خیر از حق تعالی میکنم و زایم بر یک طرف
قرآن نمیگیرم حضرت فرمود که نظر کن در هنگام
که نماز بر بخیزی زیرا که دورترین احوال شیطان
از ادبی حالتی است که نمازی ایستد پس بین که
چه چیز در دلش می افتد و اخذ کن بآن و بکشد
مصحف را پس نظر کن بسوی اول چیزی که می بیند
در مصحف پس بآن عمل کن انشاء الله **مؤلف گوید**
که ظاهر آنست که مراد آن باشد که یا بکشد و انحراف
دو طریق بجهت استخاره و تشخیص خیر بیان فرمود

۵
باشد و همچنین مراد از اول چیزی که می بینی
اول صفحه باشد زیرا که غالب است که اول
نظر بر آن می افتد و مؤید این معنی است آنچه
روایت کرده است ابن ادريس رحمه الله در کتاب
سراير از شخصی از اصحاب که گفت در خدمت
حضرت امام زين العابدين صلوات الله
عليه بودم و عادت آنحضرت این بود که چون
نماز صبح میکرد با کسی سخن نمیکفت تا افتاب
طلوع می کرد و روزی که زید فرزند آنحضرت
متولد شد بعد از نماز صبح آنحضرت را بشاد
بولادت او دادند پس رو باصحاب خود کرد

و گفت چه نام کنم این فرزند را فریاد آنحضرت
نامی گفتند حضرت مصحف طلبید و در دامن
خود گذاشت و کشود در اول صفحه این آیه بود
وَضَلَّ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا
عَظِيمًا **این مصحف** بر هم گذاشت و بار دیگر کشود
این آیه در اول صفحه بود آن الله اشتری من
الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ
الْجَنَّةَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ
يُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقٌّ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا
بِذِيْعِكُمْ الَّذِينَ يُلَاعِظُهُمْ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

الْعَظِيمِ **پس** حضرت دُوبار فرمود که والله که زید است
و او را زید نام کرد **مؤلف گوید** که چون حضرت سجاد
علیه السلام پیدا شدند که یکی از فرزندان او
که مستغنی بزرید خواهد بود در جهاد مخالفان
شهرید خواهد شد و در این دُویه که در استخار
ظاهر شد اشاره بشهادت او بود باین سبب یافتند
که این همان فرزندانست پس او را بزرید مستغنی ^{شد}
و دلالت میکند بر استخاره باین نحو که مذکور
شد بلکه آیمای مجواز تفأول بقرآن نیز دارد
و ایضا سید رحمة الله علیه در فتح الالبواب
گفته است که خطیب مستغفری در دعوات خود

ذکر کرده است که هرگاه خواهی تفأل نمایی بکتاب
خدا پس **پس** مرثیه سوره قل هو الله احد بخوان
و سه مرثیه صلوات بر محمد و آل محمد بفرست
پس بگو اللهم تفألک بکتابک و توکلک
علیک فاری من کتابک ما هو المکتوم من
سیرک المکنون فی غیبک **پس** مصحف بجیدا
بکش و عمل کن با آنچه در سطر اول صفحه دست
راست ظاهر میشود بی آنکه آواز آن و سطور را
بشماری و این را از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله روایت کرده است **مؤلف گوید**
که این حدیث اگرچه از طرف عامه روایت شده است

اما مؤید استخاره صفحه اول می تواند شد **طریق**
دو استخاره **قرآن مجید** است که صفحه اولی
عمل نکند و آن چند قسم است **اول** است که
فقیر بیدم بخط شیخ جلیل شیخ شمس الدین
محمد صاحب لکرامات و المقامات جد شیخ
الاسلام و المسلمین شیخ بهاء الدین محمد
قدس الله روحهما که از خط شیخ سعید شهید
محمد بن مکی رفع الله درجه نقل کرده که او
بستند معبر از مفضل بن عمرو روایت کرده است
که گفت با جمعی از اصحاب در خدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام نشسته بودیم

پس یکی از ایشان بخدمت آنحضرت عرض کرد که
گاه هست عزا داده کاری و قصد حاجتی میکنیم
پس مصحف بخیرد و بر میداریم و حاجت خود را
بخطری و بریم و قرآن را میکشایم و بعد از آن
با اول و درق اول نظر میکنیم و بان استدلالت
و بد حاجت خود میکنیم حضرت فرمود که میدانید
بچه خوابید کرد و الله که نمی بیند گفتند فدای تو
شوم چگونه باید کرد فرمود که هر گاه یکی از شما را
حاجتی باشد و قصد آن داشته باشد نماز
جعفر را بجا آورد و دعایش را بخواند و چون
فارغ شود مصحف را بردارد و نیت کند و فرج

ال محمد را که ظهور حضرت صاحب الامر
علیه السلام درین نزدیکی خواهد شد **و بگوید**
اللهم ان كان في قضائك وقدرك ان
تفرج عن وليك وجميعك في خليفك في
طائفتنا او في شهرنا هذا فخرج لنا اية
من كتابك تسندك اليها على ذلك **پس** مصحف را
بکشايد و هفت ورق بگرداند و از پشت
ورق هفتم ده سطر بشمارد و نظر کند ببطر
يازدهم که در آنجا امری بر او ظاهر خواهد شد
در آن مطلبی که برای آن کسوده **پس** مصحف را
بهم میگذارد و بار دیگر برای حاجت خود قصد

میکند و مصحف میچید و میکشايد و بهمان نحو
که مذکور شد عمل میکند تا حاجت او ظاهر شود
و سید ابن طاووس قدس سره نیز همین عمل را مرسول
نقل کرده و گفته است که در کتب اصحاب ما دیده ام
و این احتمال استخاره و قال هر دو دارد **دویم**
استخاره جلاله مشهور است که قرآن را بکشايد
و در صفحه دست راست نظر کند و عدد لفظ
الله هر چه باشد بشمارد و بعد از آن از طرف
چپ ورق بشمارد و بعد از آن بهمان عدد
از صفحه دست چپ سطر بشمارد و آنچه از
سطر آخر ظاهر شود عمل کند و اگر در مرتبه اول

استخاره لفظ جلاله در صفحه اول نباشد
بار دیگر نیت کند و بکشد تا جلاله ظاهر شود
و این طریق را اگر چه از سید ابن طاووس نقل
میکند اما در کتاب او نیست و در غیر آن از
کتب معتبره فقه و دعا بنظر فقیر نرسیده ولیکن
بخط یکی از فضلاهی مجربین دیدم که نوشته بود
که دیدم در یکی از تالیفات علمای امامیه و
الله علیه السلام که مرسلا از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده بود که آنحضرت فرمود که
گاه بر احدی از شما کارشک شود و صحف را
بدست گیرد و غم کند بر عمل کردن یا نچه

ظاهر شود بر او از جانب حق تعالی پس سوره
حمد و سوره قل هو الله احد و آیه الكرسی و
ایه و عینده مفاتیح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم
ما فی البیرو البحر و ما تسقط من ورقه الا یعلمها
ولا حبه فی ظلمات الارض ولا رطب ولا
یا سیر الا فی کتاب مبین **سوره** انا انزلناه و سوره
قل یا ایها الکافرون و سوره قل اعوذ برب
الفلق و سوره قل اعوذ برب الناس هر یک از
اینها را سه مرتبه بخواند پس موجه شود بقرآن
بجهد و بگوید **اللهم انی اتوجه الیک بالقرآن**
العظیم من فائتیه الی خاتمه و فیه اسمک

الأكبر وكل انك الثمان يا سامع كل صوت
ويا جامع كل صوت ويا ياربي النفوس بعد الموت
يا من لا تشاء الظلمات ولا تشينه عليه
الاصوات اسألك ان تحي لي بما اشكل علي
به فانك عالم بكل معلوم غير معلوم
محمد وعلي وفاطمة والحسين وعلي
ابن الحسين ومحمدا الباقر وجعفر الصادق
وموسى الكاظم وعلي الرضا ومحمدا الجواد
علي الهادي والحسن العسكري والخاف الخج
من آل محمد عليه وعليهم السلام **في مصحف**
بكشيد وجلالات صفحه راست را بشمارد

وبعد دان اوراق از جانب چپ بشمارد پس بعد
ان از صفحه دست چپ بهمان عدد سطر بشمارد
پس بسطر اخر نظر کند که ان بمنزله وحی است
و در مطلبی که دارد انشاء الله تعالی و بخط
بعضی از فضلا همین استخاره باین طریق بنظر
رسیده که آیه الکرسی ناهم فيها خال دون و آیه
وعنده مفاتيح الغيب تا کتاب مبين بخواند و
ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بخواند پس
این دعا بخواند **اللهم انی توکلت علیک و تعالک**
بکتابک فاربی ما هو المکنون فی ترک الخیر
فی علم غیبک برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم

۵۰
اَرِنِي الْحَقَّ حَقًّا حَتَّى أَتَّبِعَهُ وَارِنِي الْبَاطِلَ بَاطِلًا
حَتَّى اجْتَنِبَهُ **بعد از آن** مَصْحَفًا مِثْلًا مِثْلًا
نَحْوُكَ مَذْكُورٌ شَدَّ عَمَلٌ مِثْلُكَ وَذَرَا لَيْفَتُ نَحْوِ
از فضایل همین نحو نقل کرده است اما در دعا
چنین است اخرون فی غیبک یا ذا الجلال
والاکرام اللهم انت الحق ومنزل الحق محمد
صلی الله علیه و آله اللهم ارنی الحق حقا
حَتَّى أَتَّبِعَهُ وَارِنِي الْبَاطِلَ بَاطِلًا حَتَّى اجْتَنِبَهُ
یا ارحم الراحمین **سیم** است که سید رضی الله
عنه در فتح الابواب ذکر کرده است که از بزرگ
یعقوب اعجمی رضوان الله علیه در روضه خضر

کاظمین صلووات الله علیهما شنیدم که گفت
مَصْحَفًا مِثْلًا مِثْلًا **و میگویند** اللهم ان کان فی
قضااتک وقدرک ان یمن علی امتی نبیک
یُظْهِرُ وَلِیکَ وَابْنِ نَبِیکَ فَعَجَلُ ذَلِکَ
وَسَهْلٌ وَلَیْسَ بِهِ وَکَلَهُ وَآخِرُ حِلٍّ اِیَّ اسْتَدِکَ
بِهَا عَلٰی اَمْرِ قَاسِمٍ اَوْتَفِیْ قَاسِمِیْ فِی عَافِیْ
و اگر تواند حاجت خود را بگوید پس هفت و
بگرداند پس از روی دویم ورق هفتم هفت نظر
بشمارد و در سطر هفتم بقال کند برای طلب
خود **چهار** است که باز سید رحمه الله از
شیخ بدرد مذکور روایت کرده است که بعد از

خواندن دعای که مذکور شد مصحف را بکشد
و هفت ورق بگرداند و از صفحه دوم ورق
هفتم و صفحه اول ورق هشتم عدد جلالت
انچه باشد بشمارد و در سطر آخر انچه بر او
ظاهر شود عمل کند **پیچیدار سید رضی الله عنه**
از شیخ بدر مذکور رحمه الله روایت کرده است
که دعای سابق را بخواند و مصحف شریف را بکشد
و هشت ورق بعد از آن بشمارد و از صفحه
اول ورق هشتم ده سطر بشمارد و بسط یازده
نقال کند **مؤلف گوید** که اقسام طریقی دوم
استخاره مصحف هجیک مسند معقولات دارد

خصوصاً سه قسم آخر که هجیک را بمعصومین
علیهم السلام نسبت نداده اند و چون در بعضی
از این استخارات وارد شده است که بعد از
نماز حضرت جعفر علیه السلام بعمل آورند
مناسب است که مختصری از کیفیت آن مذکور شود
بدانکه مشهورترین طریقی است که چهار رکعت
بکند بدو سلام و در رکعت اول بعد از فاتحه
سوره اذ از زلت و در دوم سوره غادیات
و در سیم اذ جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله
احد بخواند و در هر رکعت بعد از فراغ از
قراءت پانزده مرتبه **گوید** سبحان الله و الحمد

لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ **بِسْمِ** ذُرْكَوع
وَسِرِّ دَاشْتَن اَزَانِ وَدَرْجُودِ اَوَّلِ وَبَعْدِ اَز
سِرِّ دَاشْتَن وَدَرْجُودِ دَوِّمِ وَبَعْدِ اَز سِرِّ
دَاشْتَن دُرْهَرِيكَ دَهْ مَرْتَبَهٗ اَيْنِ نَسِيحَاتِ رَا
مُجَوَّانِدِ وَاكَرْ دَرْجُودِ اَخِرِ بَعْدِ اَز نَسِيحَاتِ اَيْنِ
دَعَا رَا مُجَوَّانِدِ **هَبْلِ اسْتِ** سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ
وَالْوَقَارُ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكْرَمَ
بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي الشَّيْخُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ
مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَلَيْهِ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ
وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ
ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالظُّلْمِ

اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِمَعَاوِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ
وَمُسْتَهْمِ الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَانْمِیْكَ الْاَعْظَمِ
الْاَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ الثَّامَةِ الَّتِیْ تَمَّتْ صِدْقًا
وَعَدًا اَنْ تَصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ **فِي**
خُودِ رَا بَطْلِبِدِ وَاكَرْ تَوَانِدِ **بِکَویدِ** وَاَنْ تَقْضِیَ
لِیْ حَاجَتِیْ **وَبَعْدِ اَز** سَلَامِ **بِکَویدِ** یَا رَبِّ یَا رَبِّ **بِقَدْرِ**
اَنْکِ یُکْفِرُ وَفَاکِدِ **وَبِاَز** یَا رَبَّاهُ یَا رَبَّاهُ **بِهَمَّا** قَدَرِ
وَبِاَز یَا رَبِّ یَا رَبِّ **فَهَا** قَدَرِ **وَبِاَز** یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ
فَهَا قَدَرِ **وَبِاَز** یَا رَبِّ یَا رَبِّ **بِهَمَّا** قَدَرِ **بِهَمَّتِ**
مَرْتَبَهٗ یَا رَحْمَنُ یَا رَحْمَنُ **بِسْمِ** هَمَّتِ **بِهَمَّا** یَا رَحْمَنُ الرَّحْمَنُ
بِسْمِ **بِکَویدِ** اللَّهُمَّ اِنِّیْ افْتَحِ الْقَوْلَ بِمَجْدِكَ

وَأَنْطِقْ بِالشَّائِءِ عَلَيْكَ وَاتَّجِدْكَ وَلَا غَايَةَ
لِتَّجِدْكَ وَآتِنِي عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغْ غَايَةَ تَشَاؤُكَ
وَأَمْدَ تَجِدْكَ وَآتِنِي مَخْلِقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةٍ
تَجِدْكَ وَآتِنِي زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحًا بِفَضْلِكَ
مَوْصُوفًا بِتَجِدْكَ عَوَادًا عَلَى الْمَذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ
تَخْلَفُ سُكَّانَ أَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ فَكُنْتَ
عَلَيْهِمْ عَطُوفًا بِجُودِكَ جَوَادًا بِفَضْلِكَ عَوَادًا
بِكَرَمِكَ يَا إِلَهَ الْإِلَهِاتِ الْمَثَانُ ذَوَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ وَاکْرَأْ سُورَهُارَ أَنْدَاهُ سُورَةُ
كَهْجُوتِ خُوبِشْتِ وَأَيْنِ دُعَاهَا نِيْزِ شَرْطِ نَمَازِ
نَیْسَنْدَ بَلَكْهَ اَزْ مَكْمَلَاتِ نَمَازَنْدِ وَسَايَرِ اَدَابِ

وَادْعِيْهِ رَاذِرِ رُبْعِ الْاَسَابِيعِ ذَكَرْ كَرْدَه اِيْم
وَجَوْنِ دَوِي اَنْ اَسْتَحَارَه وَايَنْدُ غَايَرِ دَوْمَقْضَلِ
عَمْرُ اسْتِ دُوْرِنِيسْتِ كَهْ دُعَايِ كِيْ دُرْ حَلِثِ
اَسْتَحَارَه وَاَرْدِ شُدَه اسْتِ اَشَارَه بَايْنِ دُعَا بَاشَدِ
هَذَا اَيْنِ دُعَا رَاذِرِ اَيْنِجَا اَخْتِيَارِ كَرْدِيْمِ **مُقْطَعِ**
بِحَمْدِ دُزْبِيَانِ اَسْتَحَارَه بِشَبِيْحِ اسْتِ **عَلَامَةِ حَلِثِ**
قُدْسِ اللهِ رَحْمَه ذَرْ كِتَابِ مِنْهَا جِ الْاَصْلَاحِ اَزِيْدِ
بَزَرْ كُوَارِ خُوْدِ سَدِيْدِ الدِّيْنِ يُوْسُفِ رَحْمَه اللهِ
رَوَايَتْ كَرْدَه اسْتِ كَهْ اَوَا زِ سَيِّدِ جَلِيْلِ رِضْوِ
الَّذِيْنَ تَجِدْ اَوِيْ رَوَايَتْ كَرْدَه اسْتِ وَاَوَا زِ
حَضْرَتِ صَاحِبِ الْاَوْثَانِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ

روايت کرده که چون در امری کسی خواهد
 استخاره کند سوره فاتحه را ده مرتبه بخواند و
 بسم مرتبه و بيك مرتبه بپراکفا ميشواند کرد
 پينده مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند پس
 ايند عاراسه مرتبه **مخواند** اللهم اني استخيرك
 بعلمك بعوافي الامور واستشيرك لحسن
 ظني بك في المامول والمخدور اللهم انك
 الامر الفلاني بما قد نطت يا لبركة اعجاز
 و بوابه وحقت يا لكرامة آياته و كلياته
 فخر لي فيه خيرة ترد شموسه ذلولا و تقصص
 آياته سرورا اللهم انا امر فاقتمروا انا

امام حسن و امام حسين

نفی فاشقهی اللهم اني استخيرك برحمتك خيرة
 في عافية **پس** قصد میکند که اگر این امر ای من
 خوبست طافی اید و اگر بدست جفت اید
 یا بر عکس پس قطعه از تسبیح را بگیرد و پیشانی
 نام معلوم شود که طاقست یا جفتست و **رسید**
قدس سر ذرفح الابواب گفته است که یافتم
 بخط برادر صالح پسندیده محمد بن محمد حسینی
 اوی خدا سعادتش را مضاعف گرداند و مشرف
 گرداند خاتمه او را که روایت رسیده است
 از حضرت صادق علیه السلام که هر که خواهد
 طلب خیر خود از خدا بکند پس سوره حمد و

اَنَا أَنْزَلْنَاهُ رَاهِبًا دَهْ مَرْتَبَةً بِخَوَانِدِ بِنِ سَهْ
مَرْتَبَةً اَيْنْدُ عَارًا بِخَوَانِدِ وَأَنْ دُعَايَ سَلَامِ
ذِكْرِ كَرَمِهِ اسْتِ بِنِ كَفْتُهُ اسْتِ كَفِي اَزْ سَنَكْ
بِنِ مَنَافِيسِ بَكِرْدُ وِسَيْدِ كَفْتُهُ اسْتِ كَمَرَادِ
لَفْتِ كَهْ قَضَدِ كَنْدِ كَهْ اَكْرَطَاكْ بَاشْدِ بَكِنْ وَ
اَكْرَجَفْتِ بَاشْدِ مَكِنْ **بِنِ** يَازْ سَيْدِ كَفْتُهُ اسْتِ كَهْ
بَعْضِي اَزْ اصْحَابِ مَا حَدِيثِ مَرْسَلِي نَقْلِ كَرْدِهْ اسْتِ
دَرْ صَفْتِ قُرْعَةِ بَقْسِ بِنِ كَهْ سُوْرَهْ حَمْدِ رَا يَكْرَنْبَهْ
وَسُوْرَهْ اَنَا أَنْزَلْنَاهُ رَا يَازْدَهْ مَرْتَبَةً بِخَوَانِدِ بِنِ
اَهْدِ عَا كَهْ كَذَشْتِ بِخَوَانِدِ وَرَفِيقِي مَعْمَدِ رَسَانْدِ
وَنَخُودِ كَرْدَنْ رَا وَ نَكْرَدْ رَا يَارِ عَكْسِ بِخَا طَرِ كَرْدَنْ

بِنِ دُورْقَعَهْ بِنِ وِسَيْدِ كِي بَاسْمِ خُودِ وَ دِي كَرِي
بَاسْمِ رَفِيقِشِ وَ دَرْ جَانِي بَكْدَارْدِ وَ دَسْتِ كَنْدِ
وَيَدِ رَا وَ دَاسْمِ مَرِي كَهْ بَدْرَا يَدِ بِخَا طَرِ كَرْمَهْ
اَوْ عَمَلِ كَنْدِ **طَرِيقِ دِي كَرِي** شَيْخِ يَوْسُفِ بِنِ جِسْمِنِ
اَزْ خَطِ شَيْخِ شَهِيدِ قَدَسِ اَللّٰهِ رُوحُهُ رَا وَايْتِ
كَرْدِهْ اسْتِ كَهْ مَرْتَبَهْ سُوْرَهْ اَنَا أَنْزَلْنَاهُ بِخَوَانِدِ
بِنِ كَوْنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَخِيْرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ
اَلْاُمُوْرِ وَ اَسْتَشِيْرُكَ بِحَسَنِ طَبْعِيْكَ فِيْ اَلْاُمُوْرِ
وَ اَلْحَذَرِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ الْاَمْرُ الَّذِيْ عَرَمْتُ
عَلَيْهِ بِمَا قَدْ نَبِطْتُ الْبِرْكَ بِاَعْجَازِهِ وَ بَوَادِيهِ
وَ حَقَّقْتُ بِالْاَلْاَمَةِ اَيَّامُهُ وَ لِيَا لِيَهْ فَاسْأَلُكَ

يُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَ
عَلِيَّ مُحَمَّدٍ وَجَعْفِرَ وَمُوسَى وَعَلِيَّ وَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيَّ
وَالحَسَنَ وَالحُجَّةَ الْقَائِمَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ وَأَنْ تُخَيَّرَ لِي
فِيهِ خَيْرَةٌ تَرْضَاهُ اللَّهُ دُلُولًا وَتَقْيِضُ آيَامَهُ
سُرُورًا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ أَمْرًا فَاجْعَلْهُ فِي قَبْضَةِ
الْفَرْدِ وَإِنْ كَانَ نَهْيًا فَاجْعَلْهُ فِي قَبْضَةِ الزَّوْجِ
بِسَبِّحِ زَامِكِرِي وَعَمَلِ مِيكِنِي بِأَنْجَحِي أَيْدِي
بِعَنِي أَكْرِيكَ بِمِثْلِهِ عَمَلِ مِيكِنِي وَآكَرِدُ مِثْلَهُ
تُرْكُ مِيكِنِي **مُؤَلَّفٌ كَوَلِّدٌ** كَيْفَ عِبَارَتِ سَيِّدِ أَجْمَلِي
دَارِدُ فُقِيرٍ زَعِبَارَتِ أَوْجِنِينَ مِثْلَهُمُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

وَبَدَانِكُ ظَاهِرٌ وَأَيَاتِ الشَّيْءِ كَازِ سَنَدِ زِيَرِ
چند یاد آنه تسبیحی چند دست کند و مشتی
بردارد و بشمارد نه بروشی که مغارفت و
بعضی از مشایخ ما رضوان الله علیهم تسبیح
منظوم را در میان کف میکردند و دانه‌ها که
در میان کف واقع میشد بشماردند که طاقست
یا جفت **وَلَبِن** نوعی نیرباد وایت فی الجمله انطباق
دارد **دَامَا** آنچه دست بدست از اکثر مشایخ
دید و شنیده ایم همان روش مغارفت که
بانگشت میان تسبیح را بگیرند و اگر خمد و آنا
انزل نام و آن دعا را یکی از آن عددها که در

روایات مذکور شد بخواند و نیت کند و تسبیح را
بگیرد و دوازده نوبت شمارد و اگر یک بماند عمل
کند و اگر دو بماند ترک کند ظاهر این باشد
و قال من خوم فقیر از شیخ عظیم الشان شیخ
بهاء الدین محمد علیهما الرحمة والرضوان
نقل میفرمود که مادست بدست از شاخ خود
شنیده ایم که از حضرت صاحب الامر صلاوات
الله علیه روایت میگردند در طریق اشخاص
شیخ که سه مرتبه صلاوات بر محمد و آل محمد
بفرستند و شیخ را بگیرند و دوازده نوبت شمارد
اگر طاق بماند خوشبخت و اگر جفت بماند

بدست **و قال** مبرور رحمة الله باین روش اکثر
اوقات در امور پی که در آن استعجالی بود استخوان
میگردند **و طریق دیگر** در میان عوام شهرت دارد
که سه نوبت نوبت شمارند و اگر یک بماند خوشبخت
و دو و وسط است و سه بدست و این طریق در کتب
مشهوره بنظر فقیر نرسیده **و لیکن** یکی از فضلاء
بحرین از کتاب السعادات از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده است که حمد را یک نوبت و تسبیح
قل هو الله را سه مرتبه بخواند و پانزده مرتبه
صلاوات بر محمد و آل محمد بفرستد **پس گوید**
اللهم انی اسألك بحق الحسین و جده و آبیه

وَأَمِّهِ وَأَخِيهِ وَالْأُمَّتِ مِنْ دَرَجَتِهِ إِنْ تُصَلِّيَ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَإِنْ تَجْعَلَ لِي الْيَجْرَةَ فِي هَذَا
الْبَيْتِ وَأَنْ تُرَبِّيَ مَا هُوَ الْأَصْلَحُ لِي فِي الدِّينِ
وَالدُّنْيَا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَصْلَحُ لِي دِينِي وَ
دُنْيَايَ وَعَاجِلْ أَمْرِي وَآجِلْهُ فَعَلْ مَا أُنَازِلُ
فَأَمْرِي وَإِلَّا فَانْفَعْنِي فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
فِي قَبْضِهِ أَرْقِيعُ مِثْقَلِ وَشِمَارِي **مِيكُونِي**
سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَائِبٌ
قَبْضُهُ تَمَامٌ شَوْدَاكَ أَرْضُ سُبْحَانَ اللَّهِ بَاشِدْ خَيْرِي
مِثْقَلِ وَنَكَرْدَنَ وَكَرَامَةُ اللَّهِ بَاشِدْ أَمْرِي
وَكَرَامَةُ اللَّهِ بَاشِدْ نَفْسِي **مُعْتَبَرٌ شَشْمٌ**

اسْتِخَارَهُ بِرُقَاعِدَ اسْتُ **وَسَيِّدِ ابْنِ طَائِرٍ** وَكَثُرَ
مُحَدِّثِينَ عُلَمَاءُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَيْنَ نَوْعِ رَافِعِ ابْنِ
اسْتِخَارَاتِ مِيدَانِ **وَدَرْكَابِ** اخْتِجَاجِ مَقُولِ
كَهْمِي عَرَضَهُ نَوِشْتِ بِخَدَمَتِ حَضْرَتِ حُصَيْنِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَرَسِيدِ كَاكَرِ كِسْفِ رَاغِبِي قُرْدِ
شَوْدِ مِثْقَلِ وَنَكَرْدَنَ وَدَوَانِ كَشْرِي بَكْرِ
وَبَرِيكِ بَنُو سِيدِ بَكْرِ وَبَرِيكِ مَكْنِ بَرِيهِ
بِهَانِ كَنْدِ وَچندین مرثبه طلب خیر خود از
حق تعالی بکند پس یکی از آنها را پیر و ن آورد
و بان عمل کند یا حکم استخاره دارد حضرت
در جواب نوشتند که آنچه عالم اهل بیت علیه

السلام در باب استخاره مقرر فرموده نماز کردن
ورقها نوشتن است یعنی چنان باید کرد **مؤلف**
گوید که این نوع از استخاره بچند طریق وارد شده
اول آنست که کلینی و شیخ طوسی و سید و دیگران
رضوان الله علیهم بسندهای معتبر از هرون
بن خارجه روایت کرده اند که حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه فرمود که هرگاه امری
ازاده کنی شش رفته کاغذ بگیری و در سه نای
انها بنویسی **بسم الله الرحمن الرحیم** خیره من الله
الغیر الحکیم فلان بن فلان افعله و در سه
رفته دیگر بنویسی **بسم الله الرحمن الرحیم** خیره

من الله الغیر الحکیم فلان بن فلان لا تفعل
پس آن ورقها را در زیر صدای خود بگذارد و
دو رکعت نماز بکند و چون فارغ شوی و بسجده
و صد مرتبه **بگو** استخیر الله بر خیر خیره فی
عافیة **پس** درست بنشین و **بگو** اللهم خیر لی و
اخیر لی فی جمیع اموری فی لیئمتک و عافیة
پس دست بزن و ورقها را مشوش کن یعنی بیکار
مخلوط گردان و یک یک از آنها را بیرون آور
و ملاحظه کن اگر سه افعل بیای در آید پس
بکن آن کار را که اراده کرده و اگر سه لا تفعل
بیای بیرون آید پس مکن آن کار را و اگر بعضی

افعل و بعضی لا تفعل بر آید تا پنج رقعہ پیرون
آور اگر افعل بیشتر است ترک ممکن و احتیاج
بنیت پیرون آوردن رقعہ ششم **مؤلف گوید** که
بجای فلان بن فلانہ در هر دو جا اسم خود و نما
خود را مینویسد **و بداند** که غسل درین روایت
وارد شده است و بعضی از علما درین اشخاص
ذکر کرده اند با عنبار اینکہ در استخاره طلقہ
کہ در محل خود ذکر کردیم واقع شدہ است و
شاید بد نباشد و ورود غسل در نمازهای
حاجت نیز شاید مؤید تواند شد و اگر قصد
زیارت ائمه علیہم السلام نیز در آن غسل میکنند

شاید احوط باشد **و ایضا** نغیبن سورہ درین
نماز وارد نشده است و بعضی سورہ خسرو
سورہ رحمان را ذکر کرده اند با عنبار آنکہ بد
نوع دیگر استخاره وارد شدہ است و شاید بد
نباشد و اگر در هر رکعت سه مرتبہ قل هو الله
بخوانند **جناح** بعد از این مذکور میشود ایضا
بدنیت و ظاهر هر سورہ کہ بخوانند خوبست و
آنچه در روایت واقع شدہ است کہ اگر در هر
دو اید افعل و لا تفعل باید پنج تا پیرون آورد
اشکالی ندارد زیرا کہ در بعضی از صور احتیاج
نمیشود پیرون آوردن پنجم مثل آنکہ اول یک

لَا تَفْعَلْ ذُرَايِدَ وَبَعْدَ زَانٍ سَهْ أَفْعَلْ يَابِرْ عَكْسًا
انکه دو افعَل بر آید و یک لَا تَفْعَلْ و یک افعَل
یا بر عکس و دور نیست که مراد آن باشد که احتیاج
پیرون آوردن ششم هرگز نمیشود که احتیاج
پنجم نیز در بعضی از شقوق نشود و احتمال
دارد که در همه صور پنجم را باید پیرون آورد
تعبداً که فایده اش هر ما معلوم نباشد اما
بعید است و **ایضاً** باید دانست که اگر مختلف
پیرون آید و یکی پیشتر باشد از حدیث تفاوت
در خوبی و بدی در میان صور آن ظاهر میشود
و بعضی از علما باعتبار رعایت زود پیرون

امدن هر یک یا ثوالی آنها تفاوت در مراتب
خوبی و بدی قرار داده اند مثل انکه اگر سه
افعل در چهار رفعه پیرون آید بهتر است از
انکه در پنج رفعه پیرون آید و همچنین لَا تَفْعَلْ
زود بدی و اگر دو افعَل بیاید پیای و یک لَا تَفْعَلْ
و یک افعَل بهتر است از انکه اول لَا تَفْعَلْ پیرون
آید و بعد از آن سه افعَل و بر این قیاس سایر
شقوق یکی و بدی معلوم میشود **دومی** آنست
که سید رضی الله عنه از طریق عامه از ابن
مسعود روایت کرده است که در استخاره این دعا
میخواند اللَّهُمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ

وَلَا أَقْدِرُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ إِنِّي
عَلِمْتُ بِمَا لَيْسَ بِيكَ بِمَا كَانَ اللَّهُمَّ إِنِّي
قَدْ غَرَسْتُ عَلَى كَذَا وَكَذَا فَإِنْ كَانَ فِيهِ خَيْرٌ
لِلدِّينِ وَالْدُنْيَا وَالْعَاجِلِ وَالْآجِلِ فَتَسِّرْهُ
وَسَهِّلْهُ وَوَفِّقْنِي لَهُ وَوَفِّقْهُ لِي وَإِنْ كَانَ غَيْرَ
ذَلِكَ فَامْنَعْنِي مِنْهُ كَيْفَ شِئْتَ **بِسْمِ اللَّهِ** مِفْتَاحُ
وَصَدِّ وَيَكْرِئُهُ **يَا كَهْنُ** اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَخِيرُكَ
بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةٌ فِي عَافِيَةِ **بِسْمِ اللَّهِ** دَرَسَةُ رَقْعَةٍ
مِنْ مَنُوشَتِ خَيْرَةٍ مِنَ اللَّهِ الْغَزِيرِ الْحَكِيمِ فَلَانِ بْنِ
فَلَانٍ أَفْعَلْ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَعَوْنِهِ وَدَرَسَةُ رَقْعَةٍ
دِيكَرِ مَنُوشَتِ خَيْرَةٍ مِنَ اللَّهِ الْغَزِيرِ الْحَكِيمِ فَلَانِ بْنِ

س
۶۱

فَلَانٍ لَا تَفْعَلْ وَخَيْرَةٌ فِيمَا يَقْضِي اللَّهُ وَدَرَسَةُ
سِتْرَةٍ مِيكَدَ اشْتِ **وَجَو** از نماز و دعا فارغ میشد
يك يك از آنها را بیرون می آورد و هر يك كه بیشتر
بیرون می آمد با فعل میگرد **مَوْلَا** كه بجای علی
كذا و كذا حاجت خود را بعرش بگوید و اگر نتواند
بگوید علی الامر الذي عليك و بجای فلان بن
فلان اسم خود و پدرش را بنویسد در هر رقعها
و این روایت را كه از طریق اهل سنت است اما
مؤید روایت اول است و عمل بر روایت اول كه
از طریق شیعه است اولی است و اگر این دعا
نیز بخواند بد نیست **بِسْمِ اللَّهِ** كه باز سید خا

الله از طرف مخالفان نقل کرده است از جابر بن
عبدالله انصاری که از اکابر صحابه است گفت
که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
تعلیم میکرد استخاره در امور را چنانچه تعلیم
مینمود بمسور و هاقرا و میفرمود که هرگاه احد
از شما اراده کاری بکند دو رکعت نماز بکند
غیر نمازهای واجب **بنگوید** اللهم انی
استخیرک بعلمک واستقیدرک بقدرتک
واسألک من فضلك العظیم فانک تفتدر
ولا اقدر و تعلم ولا اعلم و انت علام الغیوب
اللهم ان کنت تعلم ان هذا الامر خیر لی

فی دینی و معاشی و عاقبه امری فاقدیره لی و یشیر
لی ثم بارک لی فیه و ان کنت تعلم ان هذا
الامر شر لی فی دینی و معاشی و عاقبه امری
فاصرفه عنی و اصرفنی عنه و اقدر لی الخیر
حیث کان ثم رخصنی به پس سید گفته است
که بعضی از مشایخ ما رحمهم الله گفته است که
چون این نماز را بکند و این دعا را بخواند شتر
رقعه از کاغذ قطع کند و در سه ناله افعل بنویسد
و در سه ناله افعل بنویسد و بیکدیگر مخلوط
گرداند و در میان استین خود بگذارد پس سه ناله
یکی یکی بدرد آورد اگر هم افعل باشد ان کار را

بکند با طیب خاطر و اگر دونا افعل باشد و یکی لا
تفعّل یا کی نیست که انرا بکند اما نیست تراست
از شقّ اول و اگر هم لا تفعّل باشد نکند و اگر
دونا لا تفعّل باشد حذر کردن اولی است و
اکثر حکم کل دارد **مترجم گوید** که از فحوائی اصل
حدیث ظاهر میشود که این نماز و دعا برای
مطلق طلب خیر است بدون آنکه عملی یا آن
باشد و آن عملی که سید از بعض مشایخ نقل کرده است
خبر و آن نیست و در روایت دیگرندیده ام پیر
متر است که بنحو اول فعل آورند و اگر خواهند
این دعا را نیز بخوانند **چهارم** است که باز سید

قدس سره در فتح الابواب گفته است که بمن
رسیده است از بعضی علما در کیفیت استخاره
که در سه رفته بنویس **بسم الله الرحمن الرحیم**
من الله الخیر الحکیم افعل و در سه رفته دیگر
بنویس **بسم الله الرحمن الرحیم** خیر من الله الخیر
الحکیم لا تفعّل و رقمهاراد در زیر سجاده بگذار
و در رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از
سوره فاتحه کتاب سه مرتبه سوره قل هو الله
اخذ بخواند پس سلام بگو و بگو **اللهم انی استخیرک**
بعلیک تا آخر دعا که مذکور شد پس بسجده برو
و صد مرتبه بگو **استخیر الله العظیم** پس سر از

سجد بردارد و پنج رفته را بیرون آورد اگر افضل
باشد تا باشد بکن که صلاح تو در آنست و اگر لا
تفعل سه تا باشد مکن که خیر تو در نکرده است
انشاء الله **بسم** انست که باز سید رضی الله عنه
از شیخ ابوالفتح که اچکی رحمه الله علیه نقل کرده
و او بسند خود از فروغ بن حماد روایت کرده است
که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه
امری را اراده کنی شش رقعہ بکوب و بر سه رقعہ بنویس
بسم الله الرحمن الرحيم خیرة من الله الغفر الحکیم
و بر این بیکر العلی الکرم لفلان بن فلان
افعل کذا انشاء الله و نام خود را و پدر خود را

و آن گاری پنجواهی بکنی بنویس و در رقعہ دیگر
بسم الله الرحمن الرحيم خیرة من الله الغفر الحکیم
لفلان بن فلان لا تفعل کذا انشاء الله و چهار
رکعت نماز بکن و در هر رکعت پنجاء مرتبه سور
قل هو الله احد و سه مرتبه سور انا انزلنا فی
لیلة القدر جوآن یعنی بعد از سور حمد و رقعہ
در زیر سجاده خرد بگذار پس این دعا را بخوان
بِقَدْرَتِكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ
وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ بِكَ فَلَ شَيْءٍ
أَعْظَمُ مِنْكَ صَلِّ عَلَى آدَمَ صَفْوَتِكَ وَتَحْلِلْ لِي
وَأَهْلِ بَيْتِي الظَّاهِرِينَ وَمَنْ بَيْنَهُمْ مِنْ نَبِيٍّ وَ

صَدِيقٍ وَشَهِيدٍ وَعَبْدٍ صَالِحٍ وَوَلِيِّ مُخْلِصٍ وَ
مَلَأْتُكَ بِكَ أَجْمَعِينَ وَإِنْ كَانَ مَا عَرَفْتُ عَلَيْكَ
مِنْ الدُّخُولِ فِي سَفَرِي إِلَى بَلَدِكَ أَوْ كَذَا خَيْرٌ
لِي فِي الْبَدْوِ وَالْعَاقِبَةُ وَرِيقٌ تَسِيرُ لِي مِنْهُ
فَتَمْلِكُهُ وَلَا تَقْتَرِفُ وَخَرَجُ فِيهِ وَإِنْ كَانَ غَيْرُ
فَاصِرٍ فَهُوَ عَنِّي وَبَدَلِي مِنْهُ بِنِهَاةٍ خَيْرٌ مِنْهُ
يَرْحَمُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **بِسْمِ** هَفْتَادِ مَرْتَبَةٍ
بِكُو خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْكَرِيمِ **بِسْمِ** بَعْدَ بَرُو
رَوْا بِرَخَاكَ بَلِّغْ رَوْحًا حَتَّى تَخْرُجَ مِنْهُ
بَطْلَبٍ وَدُرِّ رَوَايَتٍ دِيكَرٍ وَارْدِ شَدِّ اسْتِ
بَعْدَ زَانِ رَقْمًا رَابِعُونَ أَوْ رَابِعُونَ كَذَرِ

أَوَّلَ مَذْكُورٍ شَدِّ **مَوْلَفٍ كَوَيْدٍ** كَمَا يَنْدَعَادُ رَحْمَةً
أَرَادَهُ سَفَرًا اسْتِ وَكَرَّ أَرَادَهُ أَمْرِي دِيكَرٍ دَاشْتَهُ
بَاشَدِ بَاشَدِ كَمَا بَجَائِ مِنْ الدُّخُولِ فِي سَفَرِي إِلَى
بَلَدِكَ أَوْ كَذَا ائْتِاجَتِ رَاذِ كَرَكَنْدِ **وَإِذَا** أَرَادَهُ
سَفَرًا بَاشَدِ بَجَائِ إِلَى بَلَدِكَ أَوْ كَذَا اِنْ سَفَرًا
شَهْرًا كَمَا أَرَادَهُ دَارِدِ ذَكَرْ كَرَكَنْدِ وَبَرَهْرَقَدِيرِ
عَمَلِ رَوَايَتِ أَوَّلِ هَفْتَادِ اسْتِ وَكَرَّ خَوَاهِدِ اِنْ
دَعَا زَانِ اِزْ اَصَافَهُ كَرَكَنْدِ **وَسَيِّدِ** **بِسْمِ** بَاقِي رَحْمَةِ اللَّهِ
دَرْمِضَا حَشِ كَرَكَنْدِ اسْتِ كَمَا دَرْدِ سَنَ اَنْكَسَرِ كَمَا
اِسْتِخَارَهُ مِيكَنَدِ اَنْكَسَرِ عَقِيقِي بُوْرَدِ بَاشَدِ كَرَكَنْدِ
بَاقِي نَامِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ نَقَشِ كَرَكَنْدِ بَاشَدِ وَبَدِ سَنَ

دفعه از ابد را آورد و بدانکه سید ابن طاووس
الله عنه چون این استخاره را بهترین استخارات
میداند و مدارش بر عمل بر این استخاره بود
چند امر غریب از تجربه این استخاره نقل کرده است
اول آنکه بعضی از ارباب مناصب نیویه مرا
طلبید و من در جانب غربی بغداد بودم و
بیش و دو روز در اینجا می‌دم و هر روز استخاره
کردم که او را ملاقات کنم و هم استخاره‌ها
یاسه لا تفعل منوالی آمد یاد در چهار رفقه
سه لا تفعل آمد ظاهر شد که خیر من در
ندیدن او بوده است و چنین اتفاقی نمی‌باشد

مگر از جانب خداوندی که عالم الحقیقت است
آنکه در ایامی که در دارالسلام بغداد اقامت
داشتم وارد شهر حله شدم و بعضی از اقارب
من تکلیف نمود مرا که بدان یکم از حکام
حله بروم و چنان اتفاق افتاد که یکماه در
حله ماندم و هر روز که اراده ملاقات او
میکردم در اول آن روز و آخر آن روز استخاره
میکردم برای دیدن او و در همه استخارات سه
لا تفعل می‌آمد تا آنکه یکماه استخاره در عرض
آن مدت کردم و در همه سه لا تفعل بیرون
آمد و معلوم شد که خیر من در آن بوده و عقل

باور میکنند این را که پنجاه استخاره کسی برای طلب
مطلب بکند و بر شپیل اتفاق بد و نازاده
قادر علی الاطلاق همه بد بیاید **مبین** آنکه ناچار
تحریر این رساله پنجاه و سه سال از عمر من گذشته
است و ناخفت استخاره بر من ظاهر شده است
پوسته در امور خود استخاره کردم و در همه
انها خیر خود را در آن یافته ام که استخاره مرا
بان دلالت کرده است و همیشه سعادت دنیا
و عقبای خود را در آن یافته ام **تو لک گوید**
که فقیر نیز در انواع استخارات بجزرهای دنیا
کردم و از جمعی از بزرگان و صلحای خویشان

و اشنایان خود امور غریبه در این باب شنیده
خصوصاً این استخار و استخاره بمصحت
والله الموثق **مبین** در بیان استخاره
بر قاع است برخلاف طریق مشهور و آن
قدم است **اول** شیخ طبرسی رحمه الله علیه که
مکرم الاخلاق از عبدا الرحمن ابن سیاب است
کرده است که در سالی رفتم بمکه معظمه و با خود
مئای برده بودم و آن مئاع در آن سال کساد
بود و کسی بهم نرسید که بجز بعضی از اصحاب
گفتند که مئاع را بمصر بفروش و بکوفه بر مگردان
و بعضی گفتند که بمین بفروش پس رفتم بمکه

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بعد از
آنکه از منی بمکه مراجعت کرده بودیم و اخوان
خود را عرض کردم و پرسیدم که شما چه ^{بیتها}
حضرت فرمود که قرعه بزین میان مضر و
نفوذ کن امر خود را بخدا و اسم هر شهر که پیر
آید مناع خود را با آنجا بفرست گفتیم فدای تو
شوم چگونه قرعه بزیم فرمود که در یک رُفَعَه
بنویس **بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انت الله**
لا اله الا انت عالم الغیب والشهادة انت
العالم وانا المنعم فانظر لی فی امی الامم
خیر لی حتی اتوکل علیک فیه و فاعمل به ^{بیت}

بنویس **بسم الله** ^{بیت} در رُفَعَه دیگر همان
دعا را بنویس پس بنویس **التمن انشاء الله ^{بیت}**
در رُفَعَه سیم باز همان دعا را بنویس و بعد از
ان بنویس **مجلس المتاع ولا یبعث الی بلدینهما**
یعنی مجلس کم متاع را و هیچیک از آن دو شهر
نفرستم پس رُفَعَه ها را جمع کن و یکی از برادران
مؤمن خود بدی که در جای پنهان کند از نویسی
دست خود را در آنجا داخل کن و هر یک از آن
رُفَعَه ها که بدست بیاید بیرون بیاورد و بخدا
توکل کن و با پنجه در آن رُفَعَه هست عمل کن که
انشاء الله خیر شود در آنست **و سید** نیز این عمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
خبر گوید که این عمل خوب است و اعتبار سندش
کثر از ذات الرباع مشهور نیست و میشوند
که عموماً احادیث فرقه شامل این بود باشد
زیر که احادیث بسیار وارد شده است که در
هر امر مشکلی فرقه باید انداخت و وارد شده
که هر قومی مر خود را بخدا تقویض کنند البته
سهم حق پرین می آید خصوصاً در امری که راجع
در آن مختلف شده باشد **مؤید** و حق الله عنه
از حضرت باقر با صد صلوات الله علیه
روایت کرده است که کسی که خواهد استخوان

بسم الله بکند یعنی بفرع در سه رقع باشد عازلاً
بنویسد اللهم باطراً للسموات والارض
عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم أنت تحكم
بین عبادک فيما كانوا فيه يختلفون
اسألك بحق محمد وآل محمد وان تصلى على
محمد وآل محمد وان تحجج لي خيرة في ديني و
دنياي وعاقبة انومي وعاجله واجله انك
على كل شیء قدير ما شاء الله لا حول ولا
قوة الا بالله صلى الله على محمد وآله پس بسم الله
خود را در دو رقع بنویسد اگر دو شق باشد
و اگر نه یکی را کردن و یکی را نکردن بنویسد

مضاج هفت

و در پیکر و پیر و نواز و در بان عمل کند **مضاج هفت**
در میان استخاره بینا دق است و آن چندی
طریق مقولست **اول** است که سید رضی الله
عنه در فتح الالبواب **و این دعا** که در **الحمد لله**
در مجموع الدعوات روایت کرده اند از احمد
محمد بن یحیی که گفت بعضی از دوستان ما از او
گفته اند که برای تجارت پیر و نواز و در پیکر هفت
میر و نواز و نواز **خدمت حضرت امام** به فرموده

صلوات

صلوات الله علیه و بر او سلام کنم و در کار
خود از او مشورت کنم و اسئله دعا از
آنحضرت کنم پس بخندم تا بجناب رفت و عرض
کرد که من اراده دارم که برای تجارت
پیر و نواز بروم و سوگند یاد کرده ام که پیر و نواز
تا بخندم شما برسم و با شما مشورت کنم و طلب
دعا از خدمت شما بکنم حضرت برای او دعا
کردند و فرمودند که بر تو باد بر است کوی و
مشاع خود را در تجارت پیر و نواز مکن و کسی را
که امیدوار احسان خود کرده باشی مغبون
مگردان که آن دریدی مانند سود گرفتن است

۷۸
و از برای مردم میسند مگر چیز برای خود
می پسندند و حق بد و حق بگیر و منکر اند و همتا
مباش از کمی و زنی بد رسنی که تاجر را سنکو
بامد آنکه نیکو کار کو ایمی نزد پروردگارند و با
محشور میشود و اجتناب کن از سو کند یاد کردن
در خرید و فروش زیرا که سو کند دروغ حشور
باشد و همت میرد و هر تاجر بد کردار و فاجر است
مگر آنکه زیاد از حق خود بگیرد و حق مردم را
تمام بدهد و هرگاه غم کنی بر سفری یا حاجت
ضروری که اهتمام بشان آن داشته باشی
دعا بسیار کن و استخاره بکن بد رسنی که خبر

داد مرا پدرم از پدرش از جدش که حضرت ایشا
پناه صلی الله علیه و آله استخاره را با صاحب
خود تعلیم میکرد چنانچه سوره قمر را و ما
استخاره را بعمل می آوریم هر وقت که اراده
کنیم امری را و رفعه چند برای استخاره میکنیم
و موافق آنچه بیرون می آید عمل میکنیم خواه
موافق خواهش ما باشد و خوانا باشد پس آمد
گفتای مولای من آن استخاره را بمن تعلیم نما
که چگونه بعمل آورم فرمود که چون اراده استخاره
نمایی وضوی کامل بیا از یعنی با اذابت از عیة
مستحبه و دو رکعت نماز کن و در هر رکعت سو

حَمْدٌ وَصَدْرُ رَبِّهِ سُورَةٌ فَلَهُوَ اللَّهُ أَحَدٌ يَحْيَا
وَبَعْدَ ذَلِكَ سَلَامٌ نَمَازِ دُشَهَائِ خُودِ رَابِدُ غَابِرًا
وَبُكُورًا كَاشِفَا الْكَرْبِ وَمُفَرِّجَا الْغَمِّ وَمُذْهِبَا
الْغَمِّ وَمُبْدِئَا الْبَعْثِ قَبْلَ اسْتِخْفَافِهَا يَا مَنْ يَقْعُ
الْخَلْقُ إِلَيْهِ فِي حَوَاجِهِمْ وَمُهِتَابِهِمْ وَأُمُورِهِمْ
وَيَكُونُ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِالْدُّعَاءِ وَضَمِنَتْ
الْإِجَابَةُ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْدَأْ
بِهِمْ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَافْرَجْ هَمِّي وَنَفْسَ كَرْبِي
وَأَذْهِبْ غَمِّي وَاكْشِفْ لِي عَنِ الْأَمْرِ الَّذِي قَدْ
التَّبَسَّ عَلَى وَخَرَّ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي خَيْرُهُ فِي
عَافِيَةٍ فَإِنِّي أَسْتَخِيرُكَ اللَّهُمَّ بِعِلْمِكَ وَاسْتَقْدَرْتُكَ

يَقْدَرُ نَيْكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ وَاجْعَلْ إِلَيْكَ
فِي كُلِّ أَمُورِي وَابْرَأْ مِنْ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ إِلَّا
بِكَ وَاتَّوَكَّلْ عَلَيْكَ وَأَنْتَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
اللَّهُمَّ فَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رِزْقِكَ وَسَهِّلْهَا لِي
يَسِّرْ لِي جَمِيعَ أُمُورِي فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ
وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ
إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ الْأَمْرَ الَّذِي غَزَمْتُ عَلَيْهِ
وَأَرَدْتُهُ هُوَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَمَعَاشِي
وَمَعَادِي وَعَاقِبَةِ أُمُورِي فَقَدِرْهُ لِي وَ
عَجِّلْهُ عَلَيَّ وَسَهِّلْهُ وَيَسِّرْهُ وَبَارِكْ لِي فِيهِ
وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ غَيْرُ نَافِعٍ لِي فِي الْعَاجِلِ

وَالْأَجَلَ بَلْ هُوَ شَرٌّ عَلَى فَاَصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْهُ
عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَآلِي شِئْتَ وَقَدِّرْ لِي الْخَيْرَ
حَيْثُ كَانَ وَآيِنُ كَانَ وَرَضِي بِأَرْبِ بَقَضَاكَ
وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَجَمُّلُ مَا
آخَرْتُ وَلَا نَاخِرُ مَا تَجَمَّلْتَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ **يَا رُبَّ** نِسَارِ صَلَوَاتِ
فَوْسَتْ بَرِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ لَهُ رُفْعَهُ بِأَنَّهُ
دَاسْتُهُ بِأَشْيِ هَمِّبِكَ مَقْدَارُ رُؤْيَا هَمِّتٍ وَ
دُرْدُورُ رُفْعِهِ آيِنُ دُعَا **يَا رُبَّ** اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ غَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ
بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ اللَّهُمَّ

إِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَقْضِي
وَلَا أَمْضِي وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرُجْ لِي أَحَبَّ السَّهْمَيْنِ إِلَيْكَ
وَخَيْرُهُمَا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي أَمْرِي
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ
وَدَرْشَنِي يَكِي از دور رُفْعِهِ أَفْعَلْ بِنُورِ قُدْرَتِهِ
دِيكِرِي لَا تَفْعَلْ وَدَرْ رُفْعِهِ سِيمِ آيِنِ رَا بِنُورِ
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
يَا اللَّهُ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْهِ وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
تَوَكَّلْتُ فِي جَمِيعِ أُمُورِي عَلَى اللَّهِ الْحَيِّ الَّذِي
لَا يَمُوتُ وَاعْتَصَمْتُ بِدِي الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ

وَتَحَنَّنْتُ بِدِي الْحَوْلِ وَالطَّوْلِ وَالْمَلَكُوتِ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
وَبَشِّرْ أَيْنَ رَفَعَهُ رَاسُ قَيْدٍ بِكَذَا رُوحِ جِزْرِ بَرٍّ
مَنْوِلٍ وَهَرَسَهُ رَفَعَهُ رَاسُ حَكْمٍ بِبَعْضِ بَرٍّ هَيْئَتِ
وَيَكُونُ رُفْتٌ وَدَرْمِيَانِ بِنْدِ قَبْ بَكَذَا رَازِ مَوْمِيَا
أَزْ كُلِّ بَرٍّ هَيْئَتِ وَيَكْ وَزَنْ وَبِدَهْ بَكْسِي كِ
اَعْتِمَادِ بَرٍّ وَدَاشْتَهْ بَاشِي اَزْ بَرَادَرَانِ مُؤْمِنٍ وَ
بِكُو كَخْدَارِ اِيَادِ كَنْدِ وَصَلَوَاتِ بَرِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ يَفْرُسَدُ وَآنِ بِنْدَقَهَارِ اَدْرَمِيَانِ اسْتِينَ
خُودِ بِنْدِ اَزْدِ وَدَسْتِ رَاسْتِ خُودِ رَازِ دَرْمِيَا

اسْتِينَ خُودِ دَاخِلِ كَنْدِ وَآنِ بِنْدَقَهَارِ اَحْرَكِ
دَهْدِ وَيَكِي اَزْ اَنَهَارِ اَدْرَا وَرَدِ دُونِ اَنَكِ اَنَهَارِ
نَظَرِ كَنْدِ وَيَكِي رَا بِمَخْصُوصِ تَعْيِينِ كَنْدِ وَلِيَكِ
دَسْتِشِ بَرِّ هَرَمِكِ اَزْ اَنَهَا كِهْ وَاقِعِ شُودِ پَرُونِ
اُورْدِ وَچُونِ پَرُونِ اُورْدِ تَوَازِ وَبِكِرِ وَخَدِ
يَا دَكْنِ وَآنِ اَبْكَشَا وَتَشْتِشِ رَا بِخَوَانِ وَعَمَلِ
كَنْ بَا نَچِهْ دَرْ پَشْتِ اَنْ نَوْشَنَهْ شُدِهْ اِسْتِ
كَبِي كَبِرَا اَوْ اَعْتِمَادِ دَاشْتَهْ بَاشِي حَاضِرِ نَبَاشِدِ
خُودِ دَرْمِيَانِ اسْتِينَ بِنْدِ اَزْ وَآ نَچِهْ مَذْكُورِ
شُدِ بَعْلِ اَوْ رَپِشِ اَكْرَا نَچِهْ اَفْعَلِ بَرٍّ اَنْ نَوْشَنَهْ
شُدِهْ اِسْتِ بَرٍّ اِيَادِ اَلْبَيْتِ اَنْ كَارِ اَبْكُنْ

که خیر تو در آنست انشاء الله و اگر آنچه بران
لا تفعل نوشته شده است پیرون آید زنها
انرا بعمل میاور و البته مخالفت این استخاره
مکن که از ارمیکشی و اگر رفته پیرون آید کچری
بر پیشش نوشته شده است پس توقف کن
تا وقت نماز فریضه حاضر شود پس بزخیر و
دور رکعت نماز چنانچه مذکور شد بکن
نماز واجب بکن یا آن دور رکعت را بعد از
نماز واجب بکن اگر نماز صبح و عصر نباشد
و اگر نماز صبح باشد باید که بعد از آن تعقیب
و دعا بخوانی تا افتاب هین شود پس بعد از آن

آن دور رکعت را بجا آور و اگر نماز عصر باشد
آن دور رکعت را پیش از نماز عصر بکن و بعد
نماز عصر آن دعاها را بخوان و بار دیگر آن
عمل را اعاده کن و اگر باز رفته نانوشت
پیرون آید باز در وقت فریضه دیگر همان
عمل را اعاده کن تا یکی از رقعهای نوشته پیر
آید **مؤلف گوید** که ظاهر روایت است که نوشتن
رقعها و پیچیدن و در میان بند قه گذاشتن
همه بعد از نماز و خواندن دعا باشد و بپیدن
رقعها پیش باشد و احتمال دارد که ثابته
کردن قبل از نماز باشد و در نهایت که اول

اولی باشد **دویم** آنست که کلینی و شیخ و سید
رضی الله عنهم و دیگران بسند مرسل از
یکی از ائمه صلوات الله علیه روایت کرده اند
که شخصی از اصحاب آنحضرت پرسید که امری را
میخواهم بعمل آورم و کسی را نمیباشم که با او مشورت
کنم چکنم حضرت فرمود که با پروردگار خود
مشورت کن پرسید که چگونه مشورت کنم
فرمود که آن حاجت را در خاطر خود قصد کن
و دو ورقه بگیر و در یکی لا یسئرنی و در دیگری
نعم و هر یک را در میان بند قه از کل بگذارد پس
دور کعبت نماز بکند و آن دو بند قه را در زیر

دامن خود بگذارد و بگوید **یا الله** انی اُشاورک فی
امر ی هذا و انت خیر مُستشار و مُشیرو مُشیر
علی نیما فیهِ صلاح و حسن عاقبت **فین دست**
خود را در زیر دامن داخل کن و یکی از آن دو
بند قه را بیرون آور و بکشا اگر نعم باشد بکن
و اگر لا باشد مکن با خدا چنین مشورت باید کرد
سیم آنست که سید رضی **عنه** فرموده که در بعضی از
کتاب شیعه یافتیم که در دو ورقه **می نویسی** یا الله
الرحمن الرحیم خیر من الله العزیز الحکیم لعبد
لفلان ابن فلان و حاجت خود را می نویسی و یکبار
در آخرش می نویسی **افعل یا مولای و دیگر را در**

آخرش مینویسی که اتوقف یا مولای و هریک از
دورقه را در میان کلو له از کل میگذاری
و بران میخواهی هریک از سوره حمد و سوره قل
اعوذ برب الفلق و سوره والضحی را هفت مرتبه
و ظرف ابی در پیش خود میگذاری و بند قهار
در میان ابی اندازی پس هریک که زودتر
از دیگری شکافته شود و بر روی ابی اید یا نعل
میکنی انشاء الله تعالی **چهارم اینست که بازرسید**
قدس الله ذکر کرده است که یافتیم بخط علی
یحیی حناط که نوشته بود که این استخاره مولی
ما امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب صلوات

الله علیه است در خاطر میگذرانی هر طالبی
داری و این استخاره را مینویسی در دورقه
و بر پشت یکی مینویسی افعل و در پشت دیگری
لا تفعل و در بند قهار از کل میسازی و بر ازو
میسنجی که با هم برابر باشند و هر رقیعه را در میان
بند قه میگذاری و در میان ابی اندازی و
هریک که پیشتر بر روی ابی اید یا نعل میکنی
و البته مخالف مکن **و دعا که در رقیعهها باید**
اینست ما شاء الله کان الله هم ای استخیرک
خیار من فوض الیک امره و اسلم الیک
نفسه و استسلم الیک فی امره و خلاک

وَجْهَهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْكَ فَمَا تَزِلُّ بِهِ اللَّهُمَّ خَلِي
وَلَا تَخْزِ عَلَيَّ وَكُنْ لِي وَلًا تَكُنْ عَلَيَّ وَانصُرْنِي
وَلَا تُضِرْ عَلَيَّ وَاعْنِي وَلَا تَعْنِ عَلَيَّ وَآمِكْنِي
وَلَا تُمْكِنْ مِنِّي وَاهْدِنِي إِلَى الْخَيْرِ وَلَا تُضِلَّنِي
وَارْضِنِي بِقَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ إِنَّكَ
تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تَهْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ فِي أَمْرِي
هَذَا فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَعَاقِبَةِ أَمْرِي فَسَهِّلْهُ
لِي وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **بِسْمِ اللَّهِ**
كَهَذَا سَيِّدِ رَحْمَةِ اللَّهِ عَلَيْهِ رَوَايَتُ كَرْدِي

که از حضرت صاحب الزمان علیه السلام روایت
و مستفی است با شفاعت مضریه و کیفیتش آنست
که در رد و رفعه بنویسد خیرة من الله و رسوله
لفلان بن فلانة و نام خود و مادرش را بنویسد
و در یکی افعل و در دیگری لا تفعل بنویسد
و در میان دو بند نه از کل بگذارد و در میان
فدح ابی هر دو را بیدارد پس وضو سازد
و دو رکعت نماز بکند و بعد از نماز این دعا
بخواند اللَّهُمَّ ابْنِي اسْجِرْكَ خِيَارَ مَنْ فَوْضَ
إِلَيْكَ أَمْرَهُ وَاسْأَلْكَ إِلَيْكَ نَفْسَهُ وَتَوَكَّلْ
عَلَيْكَ فِي أَمْرِهِ وَاسْأَلْكَ بِكَ فَمَا تَزِلُّ بِهِ مِنْ

اَمْرِهِ اللَّهُمَّ خِرْ لِي عَلَى وَاعِيَتِي وَلَا تَعْنِ عَلَيَّ وَ
مَكْنِي وَلَا تَمَكِّنْ مِنِّي وَاهْدِنِي لِلْخَيْرِ وَلَا تُضِلَّنِي
وَارْضِنِي بِقَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ إِنَّكَ
تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتُعْطِي مَا تَرِيدُ اللَّهُمَّ إِنْ
كَانَتْ الْحَيَرَةُ فِي أَمْرِي فَهَذَا وَهُوَ كَذَا وَكَذَا
پنجای كَذَا وَكَذَا مَطْلَبِ خُودِ را بگوید مَكْنِي
مِنْهُ وَاقْدِرْ لِي عَلَيْهِ وَأَمُورِي بِفَعْلِهِ وَأَوْخِجْ
لِي طَرِيقَ الْهُدَى إِلَيْهِ وَإِنْ كَانَ اللَّهُمَّ غَيْرَ
ذَلِكَ فَاصْرِفْ عَنِّي إِلَى الَّذِي هُوَ خَيْرٌ مِنِّي
فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَ
أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **پس**

بِسْمِهِ رَوَدُ وَصَدُّ مَوْثَبِهِ **بگوید** اسْتَخِيرُ اللَّهَ خَيْرَهُ
فِي غَافِيَةٍ **پس** سَرَّهَ دَارِدَ وَانْتَظَرَ بَكْشَدَنَائِكِي
اِنْ رَفَعَهَا اِزَابِ پَرُونَ ايد هَرِيَكْ كِه پيشتر پَرُونَ
ايد با تَعْمَلْ كِنْدَ يَعْنِي اِكْرَا فَعْلَ پَرُونَ ايد اِنْ كَارَا
بَكْنَدُ وَاِكْرَا تَفْعَلْ پَرُونَ ايد نَكْنَدُ **ششم**
بَارِسِيدُ رَحْمَةُ اللَّهِ اَرْشَنُخْ اَبُو الْفَتَحْ كِرَا حَكِي
كِه اَزَا كَابِرُ عِلْمَايْ شَيْعَه اَسْتَرْوَايَكُوهَ
كِه دُورَقَه بَنُويسَ دَرِيكِي اَفْعَلْ يَعْنِي بَكْنُ وَ
دِيكِرِي لَا تَفْعَلْ يَعْنِي مَكْنُ وَارْدِيدَه خُودِ
كُنْ دَر مَوْضِعِي وَنَمَازِ اسْتِخَارَه بَكْنُ وَخَيْرِ خُودِ
اَزْ عَالَمِ الْخَفِيَّاتِ طَلَبْ كُنْ وَيَكِي اَزَا نَهَارِ پَرُونَ

اور و بان عمل کن **مترجم گوید** که این نوع استخاره
نیز از استخاره های معتبر است و بطریق بسیار
وارد شده است و دور نیست که عموماً آن عمر
نیز شامل این طریق بوده باشد و بهر یک از طرق
که مذکور شد عمل کردن خویش خصوصاً طریق
اول و اگر بعضی از دعا های طرق دیگر را نیز
با آن ضم کنند بد نیست **خاتمه** در بیان بعضی
از امور نادره است و در آن چند فایده است
اول بخط شیخ سعید شهید محمد بن مکی شریف
الله تعالی مع الشهداء الا و این دیدم که هر
شخصی در چاره امری متخیر باشد و نداند چه باید

کرد عمل کند باین خیر که در کتاب محمد بن جریر
طبری که مستفی است بکتاب اذاب الحمیده دید
که روح الحشر از پدرش از جدش روایت کرده
که فرزندان خود را وصیت کرد و گفت هرگاه
امر عظیمی احدی از شما را رود هدا یا حاده
باعث غم او گردد باید که با وضو بخوابد و در شب
و بحاف طاهری و تنها بخوابد و پهلوی زنی
نخوابد و در وقت خوابیدن سوره و الشمس و
سوره و اللیل هر یک را هفت مرتبه بخواند و
بگوید اللهم اجعل لی من امری هذا فرجاً و نجوای
پس شخصی بخوابد و بگوید در شب اول یا سیم

و کمان دارم که هفتم را نیز گفت و با و میگوید که
فوج از این غم و دلگیری و آلم در چه چیز است
انسر که راوی حدیث گفت مراد ردی غایب
شد و علایجش را ندانستم پس این عمل را بجا آورد
و چون بخواب فتم دیدم دو کس نزدیک من ^{شدند} پید
و یکی نزد سر من نشست و دیگری نزد پایهای
من پس یکی بدیگری گفت تمام بدنش زاده است
بمال و احساس مرض بکن پس چون دستش
بموضع از سر من رسید گفت در اینجا جامت است
و منراش و سرش می یابیزی بران بمال بچسبند
بمن گفت او یاهرده و که ضم کن بالان انجیر و زیتون

چون پیدار شدم همان موضع را جامت کردم
و سخت یافتن و جماعت بسیار را تعلیم کردم
و بعمل آوردند و شفا یافتند **و شیخ طبرسی رحمه الله**
نیز در مکادم الاخلاق روایت کرده است که هرگاه
امری غرض شود که موجب هم او گردد و خواهد
چاره خود را در آن کار بداند باید که در وقت
خواب **سوره و الشمس و سوره و الليل** هر یک را
هفت مرتبه بخواند تا آنکه در خواب مردی را
ببیند که چاره او را تعلیم او نماید **و شیخ مفید**
قدس الله روحه در کتاب اختصاص از حضرت
امام موسی علیه السلام پسند معبر روایت

کرده است که هر که بسوی خدا حاجتی باشد و
خواهد که مازاد در خواب ببیند و جای خود را
در آخرت بداند در سه شب غسل بخوابد
و با خدا مشاجرات کند و بیا متوسل شود و ما
در درگاه خدا شفیع گرداند تا آنکه مازاد در خواب
ببیند و حاجت خود برسد و شیخ محمد بن هرون
نعمت که در کتاب مجموع الکدعوات
روایت کرده است که هر که خواهد حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله را در خواب
ببیند در شب جمعه بعد از نماز مغرب مشغول
توکل گردد و با کسی سخن نگوید تا نماز خفتن را

بجا آورد و بعد از آن دو رکعت نماز بکند
و در هر رکعت بعد از سوره حمد سه مرتبه
سوره قل هو الله احد بخواند پس دو رکعت
دیگر نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد هفت
مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد
سلام نماز بجمعه رود و صلوات بر محمد و
محمد هفت مرتبه بفرستد و هفت مرتبه **بگو**
سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله
اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله **بن** سر از
سجده بردارد و در سست بنشیند و دسهارا
بلند کند و بگوید **یا حی یا قیوم یا ذا الجلال**

وَالْأَكْرَامِ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَا حَمْدَ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِمَهُمَا يَا رَبِّ يَا رَبِّ
بِسْمِ بِرَحْمَتِهِ دُودِ شَهَارِ اَبَلَنْد كَنْد **وَبِكُو** يَا رَبِّ
يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا عَظِيمَ الْجَلَالِ يَا عَظِيمَ الْجَلَالِ
يَا عَظِيمَ الْجَلَالِ يَا بَدِيعَ الْكَمَالِ يَا كَرِيمَ الْفِعَالِ
يَا كَثِيرَ التَّوَالِ يَا ذَا أَمِّ الْإِفْضَالِ يَا كَبِيرَ
يَا مُتَعَالِ يَا أَوَّلَ بِلَا مِثَالِ يَا قَوْمَ بَغِيرِ زَوَالِ
يَا وَاحِدَ بِلَا انْتِقَالِ يَا شَدِيدَ الْحَالِ يَا رَازِقَ
الْمَخْلُوقِ عَلَى كُلِّ حَالِ يَا رَبِّ وَجْهَ حَبِيبِي وَ
حَبِيبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَنَاسِكِ
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ **بِسْمِ** رُو بَقْبَلَه نَجْوَالِد

بِرَدَسْتِ رَاسْتِ وَمَشْغُولِ صَلَوَاتِ بِرِ مُحَمَّدٍ
مُحَمَّدٌ بَاشْدُ نَا بِخَوَابِ رُو دَكِه انشاء الله انْخُشْت
بِرَادِ رِخَوَابِ مِیْسِنِدِ **مُؤَلَفِ كُوید** كَدِرْ كَا بَجَارِ
الْأَنْوَارِ رُوَايَتِ أَوَّلِ رَا بِطَرِيقِ دِیْكَرِ مِیْطُو تَرِ
از انچه مَذْكُورْ شُد رُوَايَتِ كَرْدَمْ وَذَرِینْ لُحْظَا
بِمُنَاسَبَتِ مَذْكُورْ شُد **دویم** از اَخْبَارِ سَابِقَه
مَعْلُومْ شُد كِه عَمْدَه رَاسْتْ خَا رَه انْشْت كِه اَدَمِی
دُرْ اَمُورِ دُنْیَا رَا وَاخِرَتِ اَعْمَادِ بَرِ عَقْلِ
نَافِضِ خُودِ نَكُنْد وَبَايْد كِه دَرِ جَمِیعِ اَمُورِ تَوَكَّلِ
بِرِجْنَابِ مُقَدَّسِ اَلْهِی كُنْد وِمَعْرُوفْ بَاشْد كِه
مَنْ بَدَه عَاخِرْ جَاهِلِ ضَعِیفِمْ وَخَدَا وَنَدِ كَرِیمِ

رحیم عالم قادر مهربانی دلدم که اعرفت بمصلحت
من از من و انجم مخلوقات و امور خود را با او
گذاشته ام و خیر خود را از او میطلبم پس
توسل نماید باطاف و مرحمتی خداوند کریم
با غسل و نماز و دعاها که در ابواب سابقه
گذشت **فصل** شروع کند در ان کار و آنچه در
دهد بآن راجع باشد و خیر خود را بدوان
بداند هر چند موافق خواهش او نباشد و بعد
از ان استخاره بادل خود است چنانچه گذشت
و بعد از ان مشورت کردن با مؤمنان است
و بعد از ان استخاره بر قاع و بنیاد است یا

تقاؤل بقرآن مجید یا تسبیح و ظاهر آنست
اگر چه بعضی از علما صواب و اخیر را منع کرده اند
چنانچه سابقا مذکور شد **اما** ظاهر آنست
که غیر استخاره و مطلقه که در ابواب اول ذکر کردیم
در جائی صورت دارد که تردیدی در ان نباشد
نه در امری که خیر بآن ظاهر امر آدمی معلوم شده
و تردیدی در ان نداشته باشد و نه در امور
مشبهه و راجحه که خوبی آن شرعاً معلوم باشد
مگر آنکه تردیدی در انواع ان داشته باشد و
در امور واجبه مطلقاً استخاره کردن صورت
ندارد بلکه شروع نیست و همچنین در انحرام

استخاره جایز نیست اما استخاره مطلقه در
همه امور خوبست مگر در امر حرام که در اینجا
مطلقا استخاره مشروع نیست **چنانچه** شیخ
مفید علیه الرحمه والرضوان در جواب سایل
غریبه فرموده است که هرگاه بنده مؤمن را در
خاطر خطور کند از مصالح دنیای او که در آنها
مکروه باشد مانند سفر کردن و اقامت نمودن
یا نکاح کردن یا برده خریدن و امثال اینها
سنت است که بدون استخاره مشوجه از اعمال
نشود و بعد از استخاره اگر یکی از آنها نزد او
جاء کرد یا عمل کند و اگر هیچیک راجع نشود

توکل کند بر خدا و یکی از آنها را بعمل آورد که انشاء
الله خیر آورد و اینست و سزاوار نیست استخاره در
اموری که حق تعالی نهی از آن کرده است و از برای
کردن فعل واجب استخاره نمیشود و استخاره در
امور مباحه میباشد یا در میان دو امر سنت که
هر دو را با هم بعمل تواند آورد مانند جهاد سنت
و حج سنت یا آنکه مورد باشد میان زیارت دو
امام معصوم علیهم السلام یا میان صلوة دو ^{مادر} ~~مادر~~
مؤمن که هر دو را بتواند بعمل آورد و از این باب
امور **سیم** بعضی از علما دغدغه کرده اند در
استخاره کردن از برای دیگری زیرا که در روایاتی

که سابقا مذکور شد در هیچ باب و کالت در اینجا
مذکور نبود **و سید** این طایفه رحمتی الله علیه و آله
نموده و فرموده است که داخل اینک در عوالم
مستغنی جمیع مؤمنان و ایضا یکی است که
استخاره گفته این را حاجت خود قرار دهند
نشد کند که باو بگویم یکی خوشبخت یانه و اگر چه
عمومات و کالت در نیست که شامل استخاره
باشد **اما** احوط آنست که صاحب حاجت خود را
استخاره شود زیرا که هر که اضطرابش بیشتر است
توسل او بجناب مقدس الهی بیشتر می باشد **و اگر**
فعل غیر در این باب قایم مقام فعل او میبود **بیست**

با این احادیث بسیار که در این باب وارد شده است
در یک حدیث اشعاری این بفرمایند **و ایضا** ما این
نوحیه و التفات و مرجئی که ائمه ما صلوات الله
علیهم نسبت بموالیان و شیعیان خود داشتند
بگرفته برای یکی از ایشان استخاره بفرمایند و
ما این کتابها و بیاد اینها که فدویان و موالیان
ایشان نسبت بجناب ایشان میکردند در یک حدیث
مذکور شود که یکی از ایشان بر اسند عا از حد
ایشان کرده باشند و یک جهت نوشتن فقیر این
رساله و افیه را این است که برادران ایمانی
بر اخبار و آثار ائمه طاهرين و پیشوایان دین

صلوات الله عليهم اجمعين که در این باب وارد
شده مطلع شوند و کیفیت انواع استخاره را
بدانند که بهتر بخوانند و در حوائج خود با
استخاره متوسل شوند و در همه امورا اعتماد
بر پروردگار خود نمایند و بدانند که خداوند
بجسم در فیض خود را بر روی بندگان کافکار
نمیسنده و همه زاد و جمیع اموری در گاه خود خوانند
و گاه غاصبانرا مانع لطف و احسان خود
نکردانند ملتزم از عمل کنندگان بآن رساله
انکه این مجرم غاصبی در حال حیات و بعد از
وفات بدعای خیر پادشاه نمائند و بر سهو و خطا



که لازم غیر معصومین علیهم السلام است و اخذ
نمایند و بانقصر و نشئت احوال و وفور اشغال در
چند شب زلبا لی ماه مبارک رمضان سنه هزار
و صد و چهارده از هجری نوشته شد الحمد لله
والاخر اوال صلوات علی سید المرسلین محمد و آله
المقّدرین و لعن الله علی
اعدائهم اجمعین
یوم الدین

9654

2



